



متدولوژی پژوهش در عرصه شیعه شناسی مراکز علمی پژوهشی متعلق به دانشگاه های فرانسه (دانشگاه سوربون و مدرسه علمی پژوهش های عالی)

پدیدآورده (ها) : جازاری معمولی، سعید
ادیان، مذاهب و عرفان :: شیعه شناسی :: بهار 1394 - شماره 49 (علمی-
پژوهشی/ISC)
از 109 تا 146

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1123191>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 19/09/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

متدولوژی پژوهش در عرصه شیعه‌شناسی مراکز علمی پژوهشی متعلق به دانشگاه‌های فرانسه (دانشگاه سوربون و مدرسه عملی پژوهش‌های عالی)

سعید جازاری معمولی / استاد دانشگاه کاتولیک فرانسه و عضو هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

چکیده

دانشگاه‌ها و محققان مراکز پژوهشی کشور فرانسه؛ از قرن پانزدهم میلادی مطالعات و پژوهش‌های خویش را در حوزه اسلام، مذاهب و فرق آن آغاز نموده‌اند. به راستی می‌توان مدعی شد که نخستین مراکز علمی - دینی غرب که به مطالعه و تحقیق در عرصه شناخت تشیع گام برداشته است، دانشگاه‌ها و مدارس عالی پاریس در فرانسه می‌باشند. دانشگاه سوربون و مدارس پژوهشی و علمی زیر مجموعه آن، یکی از مهمترین این مراکز پژوهشی به شمار می‌روند. بررسی و شناخت متدولوژی تحقیقات و مطالعات حوزه ادیان و مذاهب این مراکز مهم علمی، با توجه به عمق و گستره پژوهش‌هایشان، حائز اهمیت فراوان است. مطالعه و آگاهی نسبت به روش‌های رایج تحقیق در حوزه علوم ادیان و مذاهب این مجموعه، خصوصاً در حوزه مذهب امامیه و یا تشیع اثنی‌عشری (chiisme duodécimain)، و نیز شناخت متدولوژی و شیوه‌شناسی اساتید و محققین آن در کنار بررسی کاربردی آن روش‌ها، برای متتبعین و پژوهشگران داخل کشور اهمیت و ضرورت دارد. علاوه بر اینکه این سبک و طرق مطالعاتی، برای بسیاری از محققین حوزه مطالعات دین، در دیگر کشورهای غربی مستند و مبنای روشی علمی پژوهش در حوزه علوم انسانی به شمار می‌روند، برای محققین حوزوی و دانشگاهی داخل نیز می‌تواند ضمن آشنا نمودن آنان با دقائق و ظرائف کارهای تحقیقاتی صورت گرفته در غرب، در آنجا که خلأی باشد و ضرورتی احساس گردد، به مجموعه علمی و روش مطالعاتی ایشان نیز عمق، دقت و ملاحظات لازم دیگری بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: سوربون، دانشکده دین، فیلولوژی، پدیدارشناسی، مستشرق، اسلام‌شناسی، شیعه‌شناسی، مطالعات تطبیقی.

مقدمه

مدتی پس از حضورم در دانشگاه سوربون و مدرسه عملی پژوهش‌های عالی آن (L'Ecole pratique des hautes études) ملتفت گردیدم که یکی از آن امور که می‌تواند خلایی در حوزه مطالعات و تتبعات مراکز علمی - حوزوی داخل؛ در عرصه ادیان و مذاهب، به شمار رود، عدم آشنایی کافی و لازم با سبک و شیوه‌های رایج مطالعات و تحقیقات در عرصه پژوهش‌های مربوط به ادیان، فرق و مذاهب؛ در مراکز و دانشگاه‌های موجود و مرتبط با این سلسله مباحث در کشورهای غربی است. در واقع غرب را سابق بر این، به عنوان مرکز علوم طبیعی و انسانی می‌شناسند، اما مصطلحات «سکولاریسم و لایسته» گاهی این تصور اشتباه را در میان محققین به وجود آورده که پس این کشورها در حوزه دین و مذهب، هرچند در میدان علوم انسانی قرار دارند، کاری نمی‌کنند! در حالی که نهضت‌های ضد مذهبی و دولت‌های مخالف دین نیز نه تنها چرخ مطالعات دینی و مذهبی را کند نمودند؛ که به تحقیق، بر این میزان مطالعات هر روزه افزوده می‌گردد. نمی‌توان انکار نمود که پژوهش‌های مغرب زمین در حوزه علوم دین و تاریخ ادیان، خصوصاً در دو سده اخیر موفقیت‌های فراوانی را از آن خود نموده است.

امروزه مطالعات مستشرقین و محققین حوزه ادیان و فرق در غرب، چه در زمینه تحقیق در محتوی و مفاهیم آموزه‌های دینی و اعتقادی ادیان و آیین‌های مختلف مذهبی، و چه در خصوص تاریخ شکل‌گیری دین، مذهب و جریان‌های فکری در درون ادیان دوره معاصر، و چه در دسته‌بندی و طبقه‌بندی آنها، از جهات متعدد و متنوعی پیشتاز، مرجح و عمیق‌تر از بسیاری آثار و پژوهش‌های به عمل آمده در درون جوامع دینی و سرزمین‌های تحت گستره آن ادیان و مکاتب؛ در دوران اخیر است.

عوامل متعددی این عمق، دقت و غنای پژوهش‌های غربی را موجب گردیده است: دسترسی آنان بر بسیاری از متون و نسخ قدیمی و اولیه مذهبی و دینی، که شاید از رهگذر استعمار و سلطه بر بلاد شرقی، مهد ادیان و مذاهب، برایشان میسر و فراهم شده است. بی‌طرفی و نگاه غیردینی آنان نیز گاهی پروا و جرأت متفاوتی به آنان در ورود و بررسی نقادانه متون دینی بخشیده که بر یک متدین، گاهی چنین ارائه نظرات و مطالعاتی دشوار و پر دغدغه به نظر می‌رسد. از دگر سو شاید بتوان بر اساس تاریخ پژوهش‌های غربیان در آثار اسلامی چنین برداشت، که گوی سبقت در

مطالعات تطبیقی میان ادیان و مذاهب را نخستین بار مطالعات مسیحیان در غرب ربود، که از حوالی سده پانزدهم و شانزدهم میلادی به بررسی متون دینی اسلام و یهودیت پرداخت. از طرف دیگر برای برخی پژوهشگران وفادار و وابسته نظری به یک دین، مذهب و فرقه، زاویه نظر و نگاه مطالعاتی محققین غربی، (اعم از سکولار، لائیک و یا حتی معتقد به دین)، می‌تواند تأملات، شبهات و احیاناً ناملایماتی را در مسیر آگاهی و شناخت آن آثار به وجود آورد. البته این موضوع؛ بیشتر برای محققین مسلمان دشوار می‌نماید تا دیگر ادیان، چه آنکه آنان نقض لایه قداستی متون و مبانی دینی خویش را بر نمی‌تابند و تحمل آن را نیز جازز نمی‌دانند. اما به واقع باید پذیرفت این وابستگی نظری و آئینی و یا احساس مقدس عقیدتی، چه محق، معقول و محترم و چه خارج از حیطه تعقل، نباید مانع از تتبع و تمحض در آن آثار و مطالعات گردد که می‌تواند حاوی نکات و اندیشه‌های علمی، تاریخی و نظری قابل التفاتی باشد. بسیاری از این مطالعات صورت پذیرفته حاوی نکات و سوالاتی است که پاسخگویی به آنها فصل جدید و جریان‌ات تازه‌ای را در حوزه علوم دین ایجاد می‌نماید؛ که می‌توانند منشاء تحولات فکری گسترده‌ای برای اندیشمندان متدین گردند.

به عنوان نمونه، شیوه‌های متنوع تفسیر متون دینی بر اساس قواعد علمی فیلولوژی، پدیدارشناسانه و یا ضمن بررسی وقایع تاریخی، نحوه تتبع تاریخ‌مدارانه در عرصه تأویل و تفسیر منابع و متون مقدس، بازشناسی متون دینی از لابه‌لای بررسی‌های لغوی و وقایع، همه و همه؛ می‌توانند رویکرد و نگاه جدیدی را در مطالعات استنباطی، منابع اجتهادی و مکاتب فقهی ایجاد نماید، که در فرآیند استنباط احکام؛ نتایج جدیدی به همراه خواهند داشت. فهم بهتر و ژرف این موضوع، با بررسی مطالعات مستشرقین در حوزه علوم قرآن و سنت (به معنای عام خود که شامل روایات و منقولات مقدس دینی و مذهبی است)، مطالعات موضوعی یا تماتیک (Thématique) متون مقدس همچون قرآن، کاربرد فیلولوژی در شناخت مفاهیم خاص مصطلحات قرآنی و بررسی تاریخ‌مدارانه و تطبیقی آیات آن با شیوه خاص، بیشتر فراهم خواهد آمد. داستان قدیمی شده هرمنوتیک و شیوه‌های ابداعی محققین در تأویل و تفسیر متون کلامی و وحیانی، از نتایج این سبک و سیاق مطالعات دوران معاصر غربیان به شمار می‌رود. که البته بخش گسترده‌ای از اینها را باید نتیجه تبعات پژوهشگران دنیای مسیحیت خصوصاً در سه سده اخیر دانست.

بنای ما بررسی اجمالی و کلی‌متدولوژی مطالعات حوزه دین و شیوه‌شناسی این دسته از تحقیقات محققین غربی نیست، بلکه قصد آن داریم که در میان آن مطالعات گسترده در زمینه ادیان، صرفاً تبعات برخی از پژوهشگران مراکز علمی فرانسه را در شاخه تشیع برگزیده، و سبک و شیوه خاص آنان را در عرصه این سلسله تحقیقات مد نظر قرار دهیم.

ما بر این عقیده نیستیم که تمامی این پژوهش‌ها و مطالعات، خصوصاً آنچه در طول دو دهه اخیر نسبت به شیعه و تشیع انجام پذیرفته است، از سر خیرخواهی و محض آگاهی و مطالعات علمی باشد، ولی این اندیشه هم حتی با اصابت به واقع؛ نمی‌تواند ما را از بررسی و مطالعه دقیق آن آثار و شیوه‌های تحقیقی آن مستشرقین و دین‌پژوهان بر حذر نماید و از اهمیت آن تحقیقات و پژوهش‌ها بکاهد.

برای آن دسته از محققان شیعی که نگاهی نفی‌آمیز و از سر بی‌اعتمادی کامل به مطالعات دینی و مذهبی به عمل آمده در غرب و خصوصاً در حوزه تشیع دارند و این نگاه؛ آنان را از تمتع در بسیاری از این دسته از آثار محروم داشته، خاطر نشان نمایم که در عین آنکه بعضاً و در مواردی این نفی و تیره‌گی می‌تواند مصاب باشد اما، من در میان پژوهشگران و اندیشمندان دانشگاه سوربون و مراکز تابعه علمی آن - که انصافاً جزو طلایه‌داران این عرصه به شمار می‌روند - به اساتیدی نیز برخوردیم؛ که عمق نگاه و ژرفای تأمل ایشان در مبانی دینی اسلام و مضامین عرفانی آن، در کنار سیره عملی ایشان، مرا شیفته سلوک معرفتی و مشی مسلمانی حقیقی و مّر رهنمون ائمه (سلام الله علیهم) - خود می‌نمود. از آن جمله باید از پروفیسور پیر لوری یاد نمایم که در تخلق به سلوک اهل معرفت، صفای باطن و لطف خاطر؛ آثار تدین خالص را از خود نمایان داشته؛ آثار پژوهشی و مطالعاتی او نیز همواره نشان از آن مرواریدهای پر از صدف معرفت و درخشش پاک عقیده دارد. مطالعه موضوع محور و تماتیک وی در آیات قرآن و تطبیق آنها با روش خاصش بر مبنای تاریخ‌مداری و فیلولوژیک با متون مقدس کلیسایی، حاوی نکات ارزنده و بسیار قابل تأمل و تعمق است؛ که در آینده و به اختصار اشارتی خواهیم داشت.

ظاهراً تاریخ شیعه‌شناسی در غرب به بیش از چهار سده نمی‌رسد. اما همین مدت کوتاه؛ توانسته مجموعه گسترده‌ای را از مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه مذهب تشیع، تاریخ شکل‌گیری، جریان‌ات سیاسی و فکری، نحله‌های نظری و فقهی، سازمان حوزه‌های علوم دینی، شخصیت‌شناسی

عالمان و مکتب‌های فکری، کتاب‌شناسی و بررسی آثار کهن شیعی، با نگاهی کاملاً متفاوت از آنچه در درون جوامع شیعی رایج است و نیز مباحث مربوط به مرجعیت و تقلید گردآوردی نماید، که مطالعه آنها به نظر این نویسنده؛ بر محققین و خصوصاً بر پژوهشگران و عالمان شیعی امری ضروری و لابد به نظر می‌رسد.

از این‌رو؛ این دسته از مقالات و نوشتارها که درصدد پژوهش و تحقیق در شیوه‌شناسی مطالعات شیعی در غرب و گونه‌شناسی و متدولوژی تحقیقات آنها در این عرصه می‌باشند، می‌توانند کمکی شایان در پیشبرد تبعات نوین علمی و نظری محققان حوزوی و آکادمیک و ارتقاء سطح آگاهی پژوهشگران شیعه نماید.

یکی از مهمترین موضوعات پژوهشی در عرصه علوم ادیان به‌ویژه در دوران معاصر، بررسی و شناخت شیوه عمل مراکز و مؤسسات علمی متکفل پژوهش و مطالعات حوزه علوم دین و مذاهب است. البته در این راستا؛ متدولوژی و روش‌شناسی آنان در فهم محتوی و شکل مبانی یک دین یا مذهب و تأثیر ابزار تعریف شده دینی و نیز مراتب اثرگذاری آن مبانی و سنن در جامعه، بر اهمیت این گونه تحقیقات و مطالعات می‌افزاید.

امروزه در غرب با استفاده از راه‌کارها و شیوه‌های گوناگون و متعددی به بررسی و واکاوی ادیان و مذاهب پرداخته می‌شود؛ که اگرچه ممکن است برخی از آن شیوه‌ها؛ در مسیر و مقصود غیر علمی هدایت گردد، اما بسیاری از آنان، در نقد و مطالعه متقابل نظریات و آراء عالمان و نظریه‌پردازان یک دین و آنچه در آثار دانشمندان صرفاً دین‌شناس (و نه لزوماً اهل آن دین و معتقد به آن)، مورد توجه قرار گرفته و تحریر یافته، مؤثر و منشأ نتایج ارزنده‌ای است. البته متدولوژی اسلام‌شناسی و مذهب‌شناسی در مراکز علمی غرب امر چندان آسانی نیست، چه آنکه شیوه‌های متفاوتی در شناخت ادیان و بخصوص اسلام و مذاهب آن، در این مراکز در جریان است. هر یک از این متدولوژی‌ها نسبت به دیگری دارای نکات متمایزی است که بعضاً حکم مکمل آن را می‌یابد. از طرفی چنین نیست که همه آن اندیشمندان در مطالعات خویش ادبیات واحد و قلمی ویراسته و کاملاً بی‌طرفانه داشته باشند. لذا لازم است در مواردی این زبان علمی، در گاه ورودش به میان متبیین داخل، ویرایشی خاص بیابد تا بر هضم و قرائت‌اش تسهیل گردد.

در این مقاله توجه و رویکرد ما متدولوژی مطالعات امامیه و یا تشیع اثنی‌عشریه در دانشگاه‌های فرانسه، با محوریت سوربون و مدارس تحت زعامت آن است. مطالعات به عمل

آمده در عرصه این مذهب و بررسی شیوه‌های متنوع و رویکردهای علمی متفاوت و مختلف در آن زمینه، مینا و مرکز ثقل این نوشتار خواهد بود که البته به اختصار و اجمال به فراخور زمینه، در ذیل به آن خواهیم پرداخت..

دانشگاه سوربون: پیشگام در مطالعات مذهبی

امروزه در دانشگاه سوربون (Sorbonne Université) فرانسه و مراکز علمی - پژوهشی تابعه آن؛ با استفاده از روش‌های متعددی به بررسی و مطالعه در حوزه ادیان و مذاهب پرداخته می‌شود. سوربون یکی از مهمترین و قدیمی‌ترین دانشگاه‌های اروپا به شمار می‌رود که محل استقرار اصلی آن در پاریس است. اسم سوربون برگرفته از نام روبرت دو سوربون (Robert de Sorbon) متوفی ۱۲۷۴ میلادی است که مرکز علمی، آموزشی و تحقیقاتی مهمی به شمار می‌رود که رابرت دسوربن دانشمند قرن سیزدهم میلادی مؤسس نخستین آن بوده است. مجموعه مراکز آموزشی و تحقیقاتی این دانشگاه قبلاً به صورت یک مجموعه واحد در مرکز شهر پاریس بوده است. اما در دوران حاضر این دانشگاه به چند دانشگاه، دانشکده و مدرسه^۱ پژوهشی - علمی مختلف تقسیم شده است که در قسمت‌های مختلف شهر پاریس پراکنده‌اند. بخش مهمی از آموزش عالی فرانسه در زمینه‌های ادبیات، زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی، جامعه‌شناسی دینی و مذهبی، تاریخ، سیاست و فلسفه در دانشگاه‌ها و مراکز وابسته به سوربون استقرار و تمرکز یافته است. به عبارت دیگر، این مرکز مهم علمی و پژوهشی، محوری در حوزه این علوم در طول حداقل سه قرن گذشته به شمار می‌رود. مجموعه دانشگاه‌های اصلی سوربون از قرار زیر می‌باشند:

دانشگاه پاریسیک (پانتئون‌سوربن، Université Paris I Panthéon-Sorbonne)

دانشگاه پاریس سه (سوربن جدید، Université Paris 3 - Sorbonne Nouvelle)

دانشگاه پاریس چهار (پاریس سوربن، Université Paris-Sorbonne)

دانشگاه پاریس پنچ (پاریس دکارت، Université Paris Descartes)

۱. معمولاً عنوان مدرسه (École) در فرانسه به آن دسته از مراکز آموزش عالی اطلاق می‌شود که دارای جنبه پژوهشی - مطالعاتی بیشتری از آموزشی می‌باشند. معمولاً این مدارس از دانشگاه‌ها ممتاز بوده و ورود به آنها نیز برای دانشجویان به مراتب دشوارتر از ورود به دانشگاه می‌باشد. غالباً هم این مدارس از میان دانشجویان پژوهشگر و ممتاز دوره فوق لیسانس محقق می‌پذیرند.

البته غیر از این چهار دانشگاه، دانشکده‌ها و مدارس مهمی نیز تحت قیومیت علمی سوربون به فعالیت مشغولند که بعضاً هویت علمی‌شان موجب ارتقاء بیش از پیش موقعیت علمی خود سوربون گردیده است. مانند مدرسه عملی پژوهش‌های عالی ((EPHE) L'École pratique des hautes études و یا مدرسه پژوهش‌های عالی هنر (Hautes Études-Sorbonne-Arts et Métiers)، که این دو از برترین مراکز مطالعاتی و پژوهشی فرانسه به شمار می‌روند.

مدرسه عملی پژوهش‌های عالی (EPHE)

از میان مجموعه این مراکز علمی زیر مجموعه دانشگاه سوربون، مدرسه عملی پژوهش‌های عالی (EPHE) از مهمترین مراکز آموزشی و پژوهشی در دنیای غرب به شمار می‌رود که در حوزه برخی از رشته‌های علوم انسانی به مراتب بالایی از پژوهش و تتبع دست یافته است. این مدرسه، امروزه به یکی از مراکز مهم تعاملات علمی دانشمندان دانشگاه‌های معتبر غربی مبدل گردیده است.

این مرکز مهم علمی در ۳۱ ژوئیه ۱۸۶۸ توسط ویکتور دوروی (Victor Duruy) وزیر دولت ناپلئون سوم در شهر پاریس تأسیس شد. هدف از تأسیس آن را صورت عملی دادن به تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در سوربون ذکر نموده‌اند که البته به مرور زمان خود به شکلی مستقل به مجموعه‌ای آموزشی و پژوهشی مبدل شد که دانشمندان و پژوهشگران بزرگی در آن به تحقیق و آموزش اشتغال داشته و دارند. در این مدرسه در بدو تأسیس چهار بخش یا دپارتمان علمی - پژوهشی مشخص گردید که عبارت بودند از:

دپارتمان ریاضیات؛ (Mathématiques (Ie section)) دپارتمان فیزیک و شیمی؛
دپارتمان علوم طبیعی و فیزیولوژی؛ (Physique et chimie (Iie section))
دپارتمان تاریخ و فلسفه (Sciences naturelles et physiologie (IIIe section))
(Sciences historiques et philologiques (IVe section)).

بعدها در سال ۱۸۶۹ دپارتمان اقتصاد (Sciences économiques) و در سال ۱۸۸۶ دپارتمان علوم دین و ادیان (Sciences religieuses) به آن افزوده گردید، که امروز یکی از مهمترین مراکز پژوهش‌های دینی به شمار می‌رود.

باید خاطر نشان نمود که دانشگاه سوربون در ابتدا بر مبنای مرکز مطالعات و تتبعات در حوزه علوم دین تأسیس گردید و سپس به مرور زمان تغییرات گسترده‌ای یافت و پس از انقلاب صنعتی مشهور دانشگاه علوم دین آن به حالت تعطیل درآمد و بعدها مجدداً به آن الحاق گردید. اساتید بزرگی در طول این دو سده از کشورهای مهم جهان مانند ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا و سوئیس در این مرکز به تحصیل، تدریس و پژوهش اشتغال داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به دانشمندان زیر اشاره داشت:

امیل بنوانیست (۱۹۲۸-۱۹۷۵)، فرناند برودل (۱۹۳۸-۱۹۵۳)، کلود برنارد، مارسلین برتلوت، مایکل برال (۱۸۹۳-۱۹۱۳)، پل بروسا، ژان باپتیست، هنری کورین (۱۹۳۸-۱۹۷۷)، ژرژ دومسیل (۱۹۳۳-۱۹۶۷)، لوسین فبور (۱۹۴۳-۱۹۴۷)، اتین ژیلیسون (۱۹۳۰-۱۹۴۱)، مارسل گرانت (۱۹۳۰-۱۹۳۹) ژوزف هالوی (۱۸۸۷-۱۹۱۶)، الکساندر کوژف (۱۹۳۳-۱۹۳۹)، الکساندر کویره (۱۹۳۱-۱۹۶۱)، کمیل ارنست لابروس (۱۹۳۶-۱۹۵۲)، کلود لویستروس (۱۹۵۰-۱۹۶۷)، سیلون لوی، الفرد لوآزی، آگوست لونیون (۱۸۸۷-۱۹۱۱)، گستون مست برو (۱۹۸۷-۱۹۴۳)، مارسل موس (۱۹۳۰-۱۹۳۸)، گابریل مونود (۱۸۸۷-۱۹۱۱)، گاستون پاریس (۱۸۸۷-۱۹۰۴)، لوئیس راندوین، ژان روش (۱۹۵۹-۱۹۹۲) امیل روکس، فردیناند دو سوسور، هنری والون، ویلیام هنری، ادینگتون و...

در حال حاضر این مرکز علمی- پژوهشی و آموزشی؛ دارای سه بخش یا دپارتمان فعال است. این دپارتمان‌ها، غالباً برخلاف دانشگاه‌ها؛ بیشتر توسط اساتید ممتاز و پژوهشگرانی اداره می‌گردند که به عنوان هیأت علمی این مدرسه؛ به ارائه سمینارهای هفتگی و ماهیانه و طرح آراء و نظرات علمی خویش در میان محققین و دانش‌پژوهان می‌پردازند. مجموعه دپارتمان‌های فعال دوره حاضر این مدرسه که مهمترین پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و بعضاً غیر آن را عهده دارند عبارتند از:

دپارتمان علوم زندگی و زمین (section: Sciences de la vie et de la terre)

دپارتمان علوم تاریخ، علوم زبان و تاریخ زبان (section: Sciences historiques et philologiques)

دپارتمان علوم دین (section: Sciences religieuses)

انستیتو اروپایی علوم ادیان (l'Institut européen en sciences des religions)

انستیتو علوم بیولوژی و اکولوژی (l'Institut des récifs coralliens du Pacifique)

انستیتو علوم خاص (l'Institut transdisciplinaire d'étude du vieillissement)

حضور در این مراکز؛ صرفاً در دوره‌های کارشناسی ارشد، دکتری، پست دکتری و فرصت‌های مطالعاتی امکان‌پذیر بوده، که البته صلاحیت حضور به عنوان محقق و پژوهشگر (دانشجو) در این مرکز، تنها از طریق تصویب در کمیسیونی مرکب از دانشمندان عضو هیأت علمی تعیین می‌گردد. این پذیرش، مانند اخذ پذیرش در سایر دانشگاه‌ها چندان آسان نبوده، دشوارتر و دارای مراتب سختی است که منوط به داشتن سابقه علمی خاص، سابقه مطالعات و یا نشانی از امتیازات علمی به همراه داشته باشد. در کنار دشواری پذیرش، انجام تحقیق و پژوهش؛ چه تحت عنوان پایان‌نامه یا رساله و چه تحت عناوین دیگر، زمان معتناهایی را می‌طلبد که در مقطع دکتری این دوره بعضاً میان چهار تا شش سال خواهد بود.

این مرکز هر ساله با اعطای محدود تعدادی بورس به برخی نخبگان و پژوهشگران مقطع دکتری یا پست دکتری واجد شرایط از کشورهای مختلف، دشواری هزینه‌های بعضاً سنگین پژوهش و تحقیق در غرب را تسهیل می‌نماید.

مدرسه پژوهش‌های عالی؛ در راستای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های پژوهشی و تحقیقاتی خود؛ با دانشگاه‌ها و مجامع مهم علمی در سطح بین‌الملل؛ مانند دانشگاه‌های آکسفورد در انگلیس، دانشگاه‌های معتبر سوئیس، برکلی، هاروارد، دانشگاه واشنگتن، نیوجرسی و کالیفرنیا در آمریکا و بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آسیایی و اروپایی دیگر برنامه مطالعات علمی مشترک و مبادله‌ای دارد.

اهمیت و توجه خاص مدرسه پژوهش‌های عالی به علوم ادیان، مذاهب و فرق تا آن حد است که دو مرکز مهم علمی خود را به آن دسته از مطالعات اختصاص داده و به مرور زمان در سال‌های اخیر، سرفصل‌ها و بخش‌های متنوعی را برای بررسی و تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی در حوزه ادیان و مذاهب مختلف در نظر گرفته است.

به‌طور کلی مطالعات و آموزش‌های مربوط به حوزه ادیان در نه بخش کلی و مستقل به انجام می‌رسند که عبارتند از:

- نژادشناسی ادیان و اهل دین (آفریقا، آمریکا، اروپا و اقیانوسیه) (Ethnologie religieuse)
- ادیان آسیایی (Religions d'Asie)
- تعدد خدایان در دوران قدیم و باستان (Polythéismes antiques)

- یهودیت (Judaïsme)
 - مسیحیت و مذاهب آن (Christianisme et ses marges)
 - اسلام (و مذاهب) (Islam)
 - لائسیته و دین در دوران معاصر (Laïcités et religions dans le monde contemporain)
 - ادیان باطنی (درون‌گرا) (Ésotérismes)
 - شناخت و روش‌شناسی در ادیان (Épistémologie et méthodes en sciences religieuses)
- از سال ۱۹۴۰ رشته شیعه‌شناسی با محوریت تشیع امامیه به عنوان یک کرسی رسمی در این مرکز مطالعاتی و آموزشی تأسیس گردید. البته قبل از این تاریخ و با سابقه‌ای دیرینه، موضوع شیعه‌شناسی مورد توجه و مطالعات علمی بوده است.
- در حوزه اسلام‌شناسی، بخش مورد توجهی به بررسی مطالعات مذاهب و خصوصاً شیعی اختصاص دارد. اگر چه تحولات سیاسی مذهبی بین سال‌های ۱۹۹۸ تا امروز خاورمیانه؛ توجه برخی محققین این مرکز را به بررسی جریان‌های افراطی مذهبی در حوزه اسلام معطوف نموده است. به واقع مؤسس کرسی رسمی شیعه‌شناسی و مطالعات ویژه عرصه تشیع در مدرسه پژوهش‌های عالی را باید پروفیسور هنری کرین دانست. وی از حوالی سال‌های ۱۹۵۵ به بعد مباحث مکتب‌های فکری شیعی، تشیع دوران صفویه، بررسی تحلیلی اصول کافی و مبانی نظری کلینی، تشیع صفوی و فلسفه در تفکر شیعه را به عنوان موضوعات مطالعاتی و آموزشی خویش در این مدرسه برگزید و به تدریس آنها اهتمام نهاد.
- پروفیسور هنری کوربن (۱۹۷۸-۱۹۰۳) که از جمله اساتید و پژوهشگران بزرگ و صاحب سبک و مثنی ویژه مطالعاتی در این مدرسه به شمار می‌رود که در راستای همان اهداف و برنامه‌های پژوهشی در فاصله سال‌های ۱۳۴۵ شمسی به بعد و در دوران تأسیس بنیاد حکمت و فلسفه، با سفر به ایران و برگزاری سمینارهای مختلف و جلسات متعدد با اندیشمندان ایرانی مانند علامه طباطبایی و سیدجلال‌الدین آشتیانی، از یک طرف در معرفی تشیع دوران معاصر به غرب و از دیگر سو اسباب تبادل اندیشه و پژوهش‌های متقابل آن مدرسه و برخی جریان‌های فلسفی و کلامی وقت در حوزه‌های علمیه ایران را فراهم نمود. امروزه در راستای برنامه‌های مبادله‌ای این مرکز علمی با بنیاد مذکور، آثار و پژوهش‌های مورد توجهی، در عرصه مطالعات ادیان و مذاهب

که در آندوره در ایران به عمل آمده‌اند، در کتابخانه و آرشیو مرکز تحقیقات و پژوهش مدرسه عملی پژوهش‌های عالی موجود است که مورد استفاده محققین قرار دارد.

مطالعات و پژوهش‌های معمول در حوزه شیعه‌شناسی و مطالعات در مذهب امامیه و فرق وابسته به آن، که در این مرکز و مجموعه‌های مرتبط با آن صورت می‌پذیرند را می‌توان در سر شاخه‌های زیر مورد التفات قرار داد. لازم به ذکر است که در مواردی از آنچه به عنوان سر شاخه در ذیل آمده، بعضاً دپارتمان و مراکز مطالعاتی مستقل و متشکل از جمعی از اساتید و پژوهشگران مقاطع عالی تحصیلی، تأسیس گردیده و در آن به تحقیق و پژوهش مشغولند. عمده این سرفصل‌ها و یا سر شاخه‌ها به قرار زیرند:

مفهوم‌شناسی در تشیع قدیم؛ فیلولوژی مصطلحات متون کلامی امامیه؛ تاریخ شکل‌گیری و پراکندگی جغرافیایی شیعه؛ پژوهش و بررسی نقادانه - تحلیلی متون حدیثی شیعی در سده‌های نخست هجری؛ بررسی فرق و گرایش‌های درون‌گرای تشیع: اسماعیلیه، باطنیه، شیخیه و...؛ بررسی فرق ظاهریه یا حدیث‌گرا؛ مطالعات مربوط به مکاتب فکری شیعه معاصر؛ مطالعات مربوط به عرفان و تصوف شیعی؛ بررسی آراء و مطالعات قرآنی تشیع امامیه (بررسی تفاسیر شیعه و موضوع‌شناسی و مفهوم‌شناسی قرآنی (تحریف قرآن و متون مشعر به آن، حدود و قدم، بررسی سبک‌شناسی تفاسیر شیعی ...))؛ ادبیات مذهبی و دینی در تشیع امامیه؛ سنت‌ها، رسوم و عادات مذهبی در تشیع؛ تشیع و سیاست؛ مشروطه و جریان‌شناسی تاریخی، کلامی و فقهی آن در تشیع معاصر؛ جریان روشن‌فکری در تشیع قرن نوزدهم، بیستم و معاصر؛ کتاب‌شناسی امامیه؛ مدارس و حوزه‌های علمیه تشیع؛ روش‌شناسی آموزش و تعلیم در مکتب تشیع؛ سازمان مرجعیت شیعی؛ فقه و اصول فقه در مذهب تشیع؛ فلسفه در تشیع؛ اماکن مقدس در مکتب شیعی؛ عاشورا و تعزیه؛ جامعه‌شناسی جوامع شیعی؛ حزب‌الله و جریان‌های سیاسی دوران معاصر.

امروزه مطالعات اسلام‌شناسی و مذاهب آن (همچون شیعه‌شناسی) در این مدرسه توسط محققین متعدد و به شیوه‌های مختلفی انجام می‌گردد؛ که این طرق و روش‌های متفاوت، منحصر در شیوه مطالعاتی دانشگاه سوربون و مدارس عالی تابعه آن نیست؛ و در دیگر مراکز علمی مهم در کشورهای دیگر همچون آمریکا، انگلستان و آلمان نیز جریان دارند. در مواردی این مطالعات؛ بر اساس تخصصی شدن مباحث، در جغرافیایی متفاوت و بعضاً در مراکز مختلف به صورت کار مشترک مورد توجه قرار می‌گیرند امروزه شاهدیم که در عرصه مطالعات مذهب‌شناسی، برخی

از مراکز علمی نسبت به برخی دیگر در شماری از عناوین موفق پیشی گرفته‌اند و مطالعات دقیق‌تر و مفصل‌تری را صورت داده‌اند. مثلاً در حوزه عرفان، کلام، تاریخ فرق و علوم قرآنی پژوهش‌های برخی مراکز علمی فرانسه نسبت به آنچه در این موضوعات در دانشگاه‌های انگلستان به انجام رسیده تفاوتی گسترده دارند. در حالی که جریان‌شناسی سیاسی در مذاهب را بیشتر دانشگاه‌ها و مراکز علمی انگلستان متکفلند. در هر حال به نظر می‌رسد در جمع، فرانسه در این شاخه‌های مختلف، مطالعات و پژوهش‌هایش نسبت به اقران و اکفائش در غرب پیشی گرفته است و صاحب نظر به شمار می‌رود.

ادوار مطالعات اسلامی و شیعی در فرانسه

به‌طور کلی در فرانسه و سپس در دانشگاه‌های آن و مدارس مطالعاتی و مراکز پژوهش‌های عالی؛ مطالعات در حوزه اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی به سه دوره معین قابل تقسیم است:

دوره نخست که ما از آن به «دوران شناخت اسلام و نیز مقابله با آن» یاد می‌نماییم، از میانه‌های قرن پانزدهم میلادی تا ابتدای حضور ناپلئون بناپارت به قدرت را به عنوان پادشاه فرانسه در برمی‌گیرد. در این دوره اسلام به مانند یک فرهنگ قومیتی در یک جامعه شرقی مورد لحاظ قرار می‌گرفت. مطالعات عمیقی در میان متون دینی مسلمانان رایج نبود و بیشتر در قرآن‌شناسی و زندگی پیامبر آن به اختصار محدود می‌گردید. البته دسترسی میان دنیای غرب و اسلام هم به سادگی قرن‌های بعدی نبود. به آن دسته از مطالعاتی هم که بود نمی‌توان اصطلاح پژوهش‌های میدانی و یا توصیفی اطلاق نمود. چه آنکه غالباً گزارش‌مانند بودند.

دوره دوم اسلام‌شناسی در فرانسه، به دوران استعمار، ورود اروپاییان به بلاد مسلمان و آغاز اولین روابط رسمی میان اهالی ادیان بزرگ و خصوصاً عصر پادشاهی ناپلئون بناپارت بازمی‌گردد، که به تحقیق و مطالعه رسمی و علمی در اسلام رسمیت بخشید. در واقع در این دوره است که نخستین مساجد در فرانسه احداث می‌شود و نخستین گروه‌های مطالعاتی در حوزه اسلام به کشورهای مسلمان گسیل می‌گردند. اولین مسجد پاریس در سال ۱۸۴۲ در محله بائوژون احداث گردید.^۱

1. Michel Renard, «Les prémisses d'une présence musulmane et sa perception en France - Séjours musulmans et rencontres avec l'islam», dans Mohammed Arkoun (dir.), *Histoire de l'islam et des musulmans en France du Moyen Age à nos jours*, op. cit., 2e partie, chap. II, p. 573-582.

این دوره دارای خصائص معینی می‌باشد که در مسیر مطالعات اسلام‌شناسانه حائز توجه است. از طرفی نفوذ و قدرت کلیسای مسیحیت رو به نزول و کاهش نهاده است. از طرف دیگر مواجهه رسمی میان مردم اروپا و مسلمانان در حال شکل‌گیری است. از جانب سوم منافع غربیان در مشرق زمین و الثفات مشرقیان به تمدن غرب رو به فزونی نهاده است. از سوی چهارم، جریان‌های فکری و اندیشه‌ای مهمی نیز رو به نمایان شدن در غرب و شرق است. سکولاریسم، لائسیته، جریان‌های اصالت فرد و اصالت جامعه، زمزمه‌های سوسیالیستی در مفهوم عام‌اش رو به شکل‌گیری نهاده و خلاصه تحولات فرهنگی وسیعی در مغرب رو به وقوع است. از آن طرف نیز مغرب زمین، دوره دشوار و سخت جنگ‌های مذهبی را نیز پشت سر گذاشته است که در آن میان مسیحیت کاتولیک و پروتستان صدها هزاران نفر کشته و بیش از صدها شهر و ایالت نابود شدند. در این فضا اسلام‌شناسی جدیدی آغاز می‌گردد. منابع این اسلام‌شناسی را در فرانسه ناپلئون فراهم آورده است.

ناپلئون بنا پارت (۱۷۶۹-۱۸۲۱) اولین امپراتور مهم و بانفوذ فرانسه در فاصله سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۵ میلادی است که در ورود اسلام به اروپا و تحولات گسترده در این قاره نقش بسزایی در تاریخ ایفا نمود.

ناپلئون بناپارت: تغییر رویکرد و نگاه فرانسویان به اسلام
توجه ناپلئون بناپارت را به مصر، مردم و فرهنگ مصریان که اکثریت ایشان را مسلمانان تشکیل می‌دادند باید نقطه عطفی در رویکرد مردم اروپا و خصوصاً فرانسه به اسلام دانست. ناپلئون در بیست و دوم ژوئن سال ۱۷۹۸ بر فراز کشتی خود هنگام ورود به سرزمین مصر به لشکریان خویش چنین گفت:

«مردمی که بنا است ما با آنان زندگی کنیم، ما حومتن (برگرفته از واژه محمدی، نام قدیم اطلاق شده بر مسلمانان) هستند... آنان را تکذیب نکنید. با آنان همان‌گونه که با یهودیان و مردم ایتالیا برخورد می‌نمودید رفتار نمایید. احترام مفتیان و امامان ایشان را نگه دارید، همان‌گونه که خاخام‌های یهودی و اسقفان مسیحی را احترام می‌کنید»^۱.

1. Proclamation à l'Armée d'Orient: Quartier Général à bord de l'Orient, le 4 Messidore an VI.

این مشی ناپلئون در جای جای سیاست‌ها و رفتارهای او کاملاً مشهود مانده است. در اعلامیه‌ای که در تاریخ دوم ماه ژوئیه سال ۱۷۹۸ در اسکندریه خطاب به مردم بیان نموده چنین آمده است:

«مردم مصر، به شما گفته شده که من آمده‌ام تا دین شما را نابود نمایم! هرگز چنین چیزی را باور نکنید. به آنان که چنین گفته‌اند بگویید که من آمده‌ام تا حقوق شما را به شما بازگردانم و سوءاستفاده‌کنندگان را مجازات نمایم. و آمده‌ام تا مردمانش، پروردگار، رسولش و قرآن را احترام نمایم.»^۱

ناپلئون مجذوب شرق بود. او در یکی از سخنان خویش آورده: «بعد از همه، غیر ممکن نیست که شرایط مرا به آنجا برده باشد که اسلام را در آغوش بگیرم... اما این نبوده مگر تعلیمات خوب. برای این منظور باید تا حوالی فرات (بین النهرین) پیش روم. تغییر دین را می‌توان از وسعت نتایج سیاسیش فهمید.»^۲

ناپلئون به تقریب بین مسیحیت و اسلام قائل بود و در این راه نیز تلاش‌های زیادی داشت. وی در جایی چنین آورده:

«محمد ﷺ کسی که بسیار نزدیک، در مسیر مسیحیت گام می‌نهد و از آن (مسیحیت) کمی دور است.»^۳ مقصود او از این جمله این است که اختلاف مکتب اسلام و مسیحیت بسیار اندک است و مسیر مسلمانان مانند مسیر عقیدتی مسیحیت می‌باشد.

ناپلئون اختلافات موجود میان اسلام و مسیحیت را در سنت هلن^۴ بیان می‌نماید:

«اگر به شیوه خیلی ماهرانه دو دین شرقی و غربی (اسلام و مسیحیت) را تحلیل نمایم، به نظر می‌رسد که دین ما تماماً روحانیست و دین محمد تماماً احساسی است. "عذاب‌های موجود"

1. Proclamation au quartier général, Alexandrie, le 14 Messidor an VI.

2. Napoléon nous parle, 1997, ISBN 2-7441-1320-4, p. 110.

3. Mémorial de Sainte-Hélène par le Comte de Las Cases, t. 2 p. 301, édition La Pleiade.

۴. نام جزیره‌ای در جنوب اقیانوس اطلس است که دریانورد پرتغالی ژوانو دا نووا این جزیره را در ۱۵۰۲ کشف کرد و نام سنت هلنا مادر امپراتور روم کنستانتین بزرگ را بر آن نهاد. انگلستان سالها از این جزیره به عنوان تبعیدگاه استفاده می‌کرده است. معروف‌ترین زندانی این جزیره ناپلئون بناپارت بود که تحت نظارت دولت بریتانیا سال‌های واپسین عمر خود را در این جزیره در تبعید بود.

نزد ما همان جهنم و شکنجه‌های جاویدانش، چیزی جز جزای اعمال (زشت) نزد مسلمانان نیست، حوریان چشم آبی، جنگل‌های زیبا، نهرهای شیر (مقصود: اینها نیز در اسلام جزای اعمال خوبند...) ... می‌توان از این دو دین چنین تعبیر نمود که یکی تهدید است و به عنوان یک دین ترس و وحشت خود را نمایان می‌نماید و دیگری دین وعده‌هاست و به یک دین جذابیت‌ها مبدل شده است.»^۱ (ولی واقع آنها یکی است...)

به جاست که این جمله ناپلئون را در خصوص اسلام مورد توجه قرار دهیم:
«سپس در نهایت، در زمانی از تاریخ، مردی ظهور نمود که نامش محمد صلی الله علیه و آله بود. و این مرد هر آنچه را که موسی و عیسی و تمام پیامبران گفتند بازگو نمود: خدایی جز خدای یکتا نیست. این پیام اسلام بود. اسلام یک دین واقعی است. مردم می‌خوانند و آگاه می‌شوند. آنها با منطق و خرد انس می‌گیرند. آنها بت‌ها و سنت‌های غلط کفرآمیز را کنار می‌گذارند و می‌پذیرند که خدایی جز خداوند یکتا نیست. و در نتیجه، من امیدوارم در زمانی که به طول نخواهد انجامید، اسلام بر جهان تسلط خواهد یافت، زیرا او بر جهان تسلط خواهد یافت.»^۲

البته مسلم است که این مشی و رویکرد ناپلئون برای بزرگان وقت کلیسا که زخم خورده از تعطیلی دادگاه‌های کلیسایی و رنج دیده از ادبار مسیحیت از کلیسا هستند، مقبول و مطلوب نبود. این پادشاه از طرفی بساط تفتیش عقائد را به هم زده و دادگاه‌های کلیسایی را برجسته است و از دگر سو، روی خوش و مرحمت به اسلام و مسلمانان نشان داده و اصولاً اساساً اسلام را به عنوان یک دین رسمی پذیرا گردیده است! در همین ایام است که دانشکده‌هایی دولتی، ونه کلیسایی، در فرانسه و پایتخت آن تأسیس می‌گردند که موظف به تعلیمات زبان‌های شرقی با تأکید بر عربی شده‌اند. اینها در کنار زبان‌آموزی بررسی متون شرقی را نیز در مراحل تحقیقی و آموزشی قرار داده‌اند. از جمله این مدارس باید از مدرسه زبان‌های شرقی (L'École des langues orientales) تأسیس شده در سال ۱۷۹۵ نام برد. البته همزمان مدارس

1. Mémorial de Sainte-Hélène par le Comte de Las Cases, t. 2 p. 333, édition La Pléiade.

2. Correspondance de Napoléon 1er: tome V, p518. Correspondance de Napoléon 1er: pièce N°3148. Journal inédit de Sainte Héléne, de 1815 à 1818 (Gal Baron Gourgaud).

نامه‌های ناپلئون بناپارت، جلد پنجم، نشر هنری پلون، پاریس، سال ۱۸۶۰، نامه ۴۲۸۷، صفحه ۵۱۸.

و دانشگاه‌های دیگری هم که از قبل به فعالیت‌های علمی در حوزه علوم انسانی مغول بودند نیز شاخه‌هایی در رشته اسلام‌شناسی تأسیس نمودند که از آن جمله باید از کلیج دو فرانس، سوربون، مدرسه هنر و معماری نام برد. در این میان مراکزی همچون «موسسه ملی زبان و تمدن‌های شرقی» یا اینالکو نیز در سال ۱۷۹۵^۱ کار خود را نخست با فراگیری زبان عربی آغاز نمود و سپس زبان‌هایی همچون فارسی و سریانی هم بدان افزوده شد. البته در این مرکز مهم دانشگاهی و تحقیقاتی نیز متون کهن اسلامی دور از نظر نماند و مورد توجه قرار گرفت.

این بود که کم‌کم کلیسا در این شرایط بحرانی مقابل خود، وادار به مطالعات اسلامی گردید. البته این مطالعات چند منظوره هدایت می‌شد. هم لازم بود مبلغان مسیحی برای ورود مسلمانان به اروپا با مکتب فکری آنان آشنا شوند. هم لازم بود آنان خودشان را برای جذب پیروان جدید مسیحیت در مشرق زمین مهیا نمایند. از طرف دیگر ضرورت داشت خودشان از خطر ورود دین جدید و سؤالات و نگرانی‌های مذهبی مردم در مواجهه با آن واکسینه نمایند. البته باید از قافله پژوهشگران دین‌شناس هم عقب نمی‌ماندند. همه اینها تنها با آشنایی کامل ایشان با دین اسلام مهیا می‌گردید.

بنابراین در این دوره دو دسته مطالعات به صورت موازی ولی غالباً بر یک پایه و مشی علمی روی اسلام و مذاهب آن انجام می‌پذیرفت. یکی پژوهش‌های بزرگان و محققین کلیسا و دیگری مطالعات اساتید و پژوهشگران مراکز علمی دولتی و ملی.

در این میان بیشتر مطالعات محقق شده در بستر کلیسایان صورتی متفاوت داشت و غالباً با رویکردی نقادانه بود تا توصیفی پژوهشی. بنابراین می‌توان گفت که پژوهش‌های مستشرقین و اسلام‌شناسان مسیحی این دوره، بیشتر راهی برای نقض و رد آثار و مبانی فرهنگ دینی اسلام بود. لذا ادبیات این آثار بیشتر نوعی نگاه و رویکرد مخالفانه و نقادانه به متون و آثار اسلامی دارند. بدیهی است که غالب این آثار نیز توسط محققین کلیسایی تحقق می‌یافت تا توسط اندیشمندان دیگر. به‌عنوان نمونه آثار اسلام‌شناسان مشهور و متبحری مانند هنری لمان (Henri Lammens) را می‌توان از این دست آثار بر شمرد که با نگاه نقادانه خویش تلاش در شناخت و معرفی اسلام در اروپا داشت.

1. Institut national des langues et civilisations orientales.

هنری لمان از مستشرقین، مورخ و محققین مهم و بنام فرانسه زبان است که اثری قابل توجه را در مورد حضرت زهرا (سلام الله علیها) تحریر نموده است. وی در اول ژوئیه سال ۱۸۶۲ در شهر گاناز کشور بلژیک متولد گردید. وی یک کشیش یسوعی بود که فرقه‌ای از مذهب کاتولیک مسیحیت به شمار می‌رود. او بر همین مذهب عمرش را به تحقیق و مطالعات اسلامی گذراند. وی برای پژوهش‌های خویش، غالب عمرش را در لبنان به سر برد و نهایتاً در ۲۴ آوریل سال ۱۹۳۷ در همان شهری که به تحقیق و مطالعه آثار اسلامی اشتغال داشت یعنی بیروت، از دنیا رفت.

هنری در مکتب کشیشان روحانی در شهر تورنو در شهرستان تورنو در استان آنتوئر در منطقه فلاندری در کشور بلژیک پرورش یافت. وی در حالی که هنوز پانزدهمین سال عمرش را سپری می‌نمود، به عنوان طلبه علوم دینی کلیسا رهسپار شهر بیروت و کشور لبنان گردید. او در ابتدای ورودش به آموزش و فراگیری زبان عربی پرداخت. یک سال پس از آن یعنی در حوالی سال ۱۸۷۸ وی در زمره فرقه یسوعی‌های مسیحی یا «پیروان مسیح» درآمد.

وی در سیر مطالعاتی خویش رویکردی تحقیقاتی نقادانه در آثار اسلامی در پی‌گرفت. او بر گزاره‌های تاریخی تکیه می‌نمود ولی از تحلیل خویش در تفسیر و تبیین وقایع بهره می‌برد. وی تلاش‌هایی در تطبیق واقعیت‌های منقول اسلامی با اساطیر و افسانه‌های باستان داشت تا مطابقت دادن آموزه‌های اسلامی با تعالیم دنیای مسیحیت و این بیشتر ناشی از همان فضای متفاوتی می‌تواند باشد که علیه کلیسای دوران او در حال شدت یافتن بود. البته در همان کلیسای بزرگ فرانسه نیز بودند محققینی که سعی در تطبیق حقایق اسلام با آموزه‌های کلیسایی داشتند و در خلال مطالعات آنان مطالب فراوانی از ماهیت حقیقی اسلام در فرانسه آشکار گردید.

در میانه و اواخر این دوران، محققینی آمدند که در نتیجه مطالعات خویش در آثار اصیل اسلامی، اعم از ابنیه و مراکز کهن سنتی و معماری‌های شگرف آن، و یا بررسی متون دینی خاص، و یا در اثر مجالست و برخورد مستقیم با جوامع مسلمان، نگاه و مشی متفاوت و معتدلی نسبت به اسلام یافتند. این دسته از اسلام‌شناسان اگر چه از لحاظ تاریخی در دوره نخست قرار دارند اما به لحاظ محتوی، بیشتر جانبی بی طرفانه را دنبال نموده‌اند. چهره‌هایی مانند هارتویگ درنبرگ (۱۸۴۴-۱۹۰۸) (Hartwig Derenbourg) اسلام‌شناس بزرگ اواخر قرن نوزدهم میلادی را باید از جمله محققینی دانست که بر خلاف جریان مشهور نخست، بیشتر به دنبال شناخت

حقیقت اسلام و صورت واقعی آن در فرانسه تلاش نمودند. هارتویگ در نبرگ سال‌ها کرسی رسمی ادبیات عرب و نسخه‌شناسی متون اسلامی را در دانشگاه‌های پاریس عهده‌دار بود. وی استاد لویی ماسینیون و مشوق وی در انتخاب پروژه مطالعاتی جریان‌های باطن‌گرا در اسلام و عرفان اسلامی به شمار می‌رود.

پس از درنبرگ، باید از شارل دو فوکو (۱۸۵۸-۱۹۱۷) (Charles de Foucauld) نام برد که به عنوان یک اندیشمند و محقق مسیحی مجذوب فرهنگ اسلامی گردید و سعی فراوانی را در مدت حیاتش در راه معرفی اسلام حقیقی و تقریب میان دو دین بزرگ مسیحیت و اسلام به عمل آورد. وی شاید بیشترین و بالاترین تلاش‌ها را در جهت زدودن تفکر ضد اسلامی در فرانسه دوران خویش و حتی پس از پایان حیاتش داشته باشد.

او با لویی ماسینیون رفاقتی عقیدتی و فکری نیز داشته است. از مکاتبات میان آن دو چنین برداشت می‌شود که این دو اندیشمند بزرگ در حوزه عرفان تحت‌تأثیر یک‌دیگر نیز بوده‌اند. دوفوکو قبل از مرگش در سال ۱۹۱۷ انجمن خیریه خود را به لویی ماسینیون واگذار نمود. چهار نامه ماسینیون به شارل دوفوکو نیز به چاپ رسیده که نشان از وابستگی و عمق دوستی میان ایشان دارد. در آوریل ۱۹۰۹ وی به همراه ماسینیون شی‌را به عبادت در کلیسای مشهور «قلب مقدس مونتمارت»^۱ در ارتفاعات منطقه هجده پاریس با هم گذراندند.^۲

چهره‌هایی مانند شارل ویرولود را به واقع باید پایان دهندگان به جریان نخست برشمرد که بیشتر در صدد تغییر رویکرد ضداسلامی در بین پژوهشگران فرانسه و دیگر مستشرقین غربی دانست. شارل ویرولود (Charles Virolleaud) در دوم ژولای سال ۱۸۷۹ در شهر باربزیو سنت هیلر در جنوب غربی فرانسه متولد گردید و در هفدهم دسامبر ۱۹۶۸ از دنیا رفت. او یکی از معروف‌ترین باستان‌شناسان فرانسه به شمار می‌رود که در حوزه کشورهای لبنان، سوریه و اطراف آن به مطالعات باستان‌شناسانه پرداخت و آثار گوناگونی تحریر نمود.

او در سال ۱۹۲۱ نخست به عنوان استاد انستیتوی باستان‌شناسی پاریس مشغول گردید. سپس به عنوان مدیر بخش باستان‌شناسی کمیساریای عالی فرانسه در سوریه و لبنان منصوب گردید. او

-
1. Basilique du Sacré-Cœur de Montmartre.
 2. LE NEEL Bernard, *Le Professeur Massignon sur les traces de Foucauld*, Site de Saint-Brieuc et Tréguier.

پس از بازگشت به عنوان پروفیسور در مدرسه عملی مطالعات عالی پاریس از توابع دانشگاه مهم سوربون به تدریس و راهنمایی پایان‌نامه‌ها پرداخت. وی در تحقیق و بررسی آثار تمدن اوگاریت^۱ مشارکت داشت. وی در سال ۱۹۳۸ کتاب «تمدن فنیقیان» را نوشت و در سال ۱۹۳۸ کتاب اسطوره‌شناسی فنیقیان را به قلم تحریر درآورد.

او در سال ۱۹۴۱ به عنوان عضو آکادمی «فرهنگستان کتیبه‌شناسی و زبان‌های باستانی فرانسه»^۲ برگزیده شد و سپس از سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۶۴ به عنوان ریاست

۱. پادشاهی اوگاریت (در محل رأس شمراء امروزی) که دیرینگی آن به نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد بازمی‌گردد در شمال غربی سوریه در ۱۶ کیلومتری شمال شهر لاذقیه واقع شده بود. باستان‌شناسان در کاوش‌های خود در این منطقه، متونی را یافته‌اند که به یک زبان ناشناخته نوشته شده‌اند. این متون نخستین نمونه‌های خط الفبایی جهان به‌شمار می‌آیند. باستان‌شناسان فرانسوی از سال ۱۹۲۹ کاوش در کاوشگاه باستانی اوگاریت را آغاز کرده‌اند. آنها موفق به کشف لوح‌هایی به زبان اکدی، زبان مرجع برای داد و ستد در آن دوره شدند و در عین حال متونی را یافتند که از نشانه‌هایی نزدیک به نشانه‌های زبان اکدی تشکیل می‌شدند و متعلق به یک زبان ناشناخته بودند. خط‌شناسانی که به رمزگشایی این متون پرداختند به این نتیجه رسیدند که این نشانه‌ها در واقع نخستین خط الفبایی است، به عبارت دیگر یک خط که نه از نشانه‌ها و نه از هجاها تشکیل شده بلکه در واقع از حروف تشکیل گردیده است. الفبای اوگاریت شامل ۲۹ حرف است.

شهر اوگاریت در یک کیلومتری کرانه دریای مدیترانه واقع شده بود و شهری بود که با دنیای خارج در پیوند بود. شهر اوگاریت که مهد الفبا بوده یک جامعه «باسواد» بشمار می‌آمد. ابو کالوه باستان‌شناس فرانسوی که به همراه بسام جموس باستان‌شناس سوری مشترکاً مدیریت هیات باستان‌شناسی اوگاریت را به عهده دارند، می‌گوید: «در کاوشگاه اوگاریت فرهنگ‌نامه‌هایی ترجمه شده به زبان اوگاریتی و نوشته‌هایی در مورد سومر کهن کشف شده‌اند که توسط دبیران آن دوره نگه‌داری شده بودند».

خط اوگاریتی با ازم‌گسستن این پادشاهی پیرامون ۱۱۸۵ نابود شد و شهر اوگاریت نیز متروک گردید.

۲. فرهنگستان کتیبه‌شناسی و زبان‌های باستانی فرانسه Académie des Inscriptions et Belles-Lettres بنیادی دانشگاهی در فرانسه است که در سال ۱۶۶۳ آغاز به کار کرد و اکنون یکی از پنج فرهنگستان تشکیل دهنده بنیاد فرانسه به شمار می‌رود. فرهنگستان توسط پنج تن از نامدارترین انسان‌گرایان فرانسوی بنا نهاده شد. ژان شاپولن، فرانسوا شارپنتیه، ژاک کازانی، امیل دو بورزی، ام. دووریه بنیان‌گذاران این نهاد بودند. [۱] مسؤول برقراری نشست‌های آغازین این فرهنگستان ژان بتیست کلب، وزیر اقتصاد لوئی چهاردهم، بود. او از دانشمندان زبان‌شناس دعوت کرد تا توصیه‌های آنان درباره متن‌های نوشته شده به زبان لاتین بر سکه‌ها و شعارهای روی تندیس‌های همگانی و مدال‌های تقسیم شده به افتخار لوئی را بشنود. در پایه مرام‌نامه فرهنگستان، این نهاد به مطالعه کتیبه‌ها و زبان‌ها و فرهنگ‌های تمدن‌های باستانی، از سده‌های میانی و دوره کلاسیک گرفته تا تمدن‌های ناروپایی، اختصاص دارد.

«مرکز آسیایی»^۱ انتخاب گردید.^۲

وی در حوزه شیعه‌شناسی و مطالعه در آثار چهره‌های بزرگ مکتب تشیع از جمله حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت سیدالشهدا علیه السلام کارهای بزرگ علمی از خود به جای نهاد. دوره سوم: با آغاز مهاجرت گسترده جریان‌های مسلمان به اروپا از یک سو، آغاز قیام‌ها و نهضت‌های اسلامی علیه استعمارگران حاضر در بلاد مسلمان در اوان جنگ جهانی اول از دگرسو، رشد مطالعات دین‌شناسی و آشکاری غنای فرهنگ اسلام از جانب دیگر، در کنار الزام غریبان به تغییر جهت رفتاری و سیاسی با مسلمان تحت استعمار و دیگر کشورهای مهم مسلمان،

1. Société asiatique. La Société asiatique est une société savante fondée en 1822, dont l'objet est de promouvoir les langues orientales, publier les travaux et rapports des orientalistes et rassembler la communauté scientifique francophone autour de conférences mensuelles.

«La Société Asiatique a été fondée en 1822 dans le mouvement d'enthousiasme suscité par les premières conquêtes de l'orientalisme scientifique: déchiffrement d'écritures, résurrection de monuments, comparaison des langues2.»

Sa création fut confirmée par ordonnance royale le 15 avril 1829. La première présidence fut assurée par Antoine-Isaac Silvestre de Sacy, avec Abel Rémusat comme secrétaire. Parmi les premiers membres, figurent Jean-François Champollion et Eugène Burnouf.

«Elle a traversé les xix^e et xx^e siècles en assurant sa mission: *le développement et la diffusion des connaissances sur l'aire immense allant du Maghreb à l'Extrême-Orient ; *une approche scientifique et multidisciplinaire des cultures orales et écrites des sociétés concernées2.»

Devenue association loi 1901 en 1910, elle a renouvelé ses statuts en 1965. Par ses activités et son histoire, elle entretient des liens étroits avec des institutions prestigieuses: notamment l'École nationale des langues orientales vivantes (où elle a eu son siège de 1924 à 19723), l'Académie des inscriptions et belles-lettres et le Collège de France.

La Société asiatique rassemble actuellement plus de 500 membres en France et dans le monde. Son organe, le Journal asiatique, est publié sans interruption depuis 1822. La diversification progressive des études, leur développement par la spécialisation toujours plus étroite, renforcent le rôle d'organisme fédérateur des spécialistes d'études orientales qu'elle assume depuis près de deux siècles. Elle possède en outre des collections patrimoniales de premier ordre dans le domaine de l'orientalisme: imprimés, manuscrits orientaux et archives scientifiques, conservés dans sa bibliothèque (52, rue du Cardinal-Lemoine - Paris Ve).

2. Charles Virolleaud", in Je m'appelle Byblos, Jean-Pierre Thiollet, H & D, 2005, p. 257 ونیز

André Dupont-Sommer, Notice sur la vie et les travaux de Charles Virolleaud, Institut de France, Paris, 1969.

فضایی به وجود آمد که کم به کم صورت سیاسی ارائه شده از اسلام را نزد اهالی مغرب زمین، به یک دین بزرگ دارای محتوای عمیق و شریعت دارای مبنا و اصول تغییر داد. در اینجا بود که سیر مطالعات فرانسویان در حوزه دین اسلام از رویکرد تاریخ‌مدارانه و ناقدانه به رویکرد موضوع‌شناسی و مطالعات تطبیقی و تحلیلی تغییر یافت. مراکز مطالعاتی غربی، من جمله فرانسه به عنوان پیشگام این سلسله مطالعات، رویکردشان را به اسلام و مطالعات مربوط به این دین بزرگ جهانی تغییر دادند.

لویی ماسینیون (Louis Massignon) (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲) اسلام‌شناس مشهور و صاحب‌نظر فرانسوی که یک کاتولیک معتقد به شمار می‌رفت را باید طلایه‌دار جریان دوم دانست که توانست نگاه غربیان و محققین بزرگ آن را به اسلام و مکتب آن دگرگون نماید. حشر و نشر وی با مسلمانان الجزایر و ارتباط وی با اندیشمندان مسلمان و مطالعاتش در میان آثار اسلامی توانست از او چهره‌ای متمایل به این مکتب بسازد. او برای نخستین بار رسماً در مجالس درسی خویش از هویت فرهنگی و غنای اندیشه اسلامی سخن به میان آورد و به بررسی محتوای درونی این دین پرداخت.

وی در حوزه شیعه‌شناسی نیز تلاش قابل‌توجهی از خود ارائه نمود و مکتب امامیه را با استفاده از عناصر مبنایی و اصولی آن معرفی می‌نمود. مقالات مشهور و آثار بزرگ او در معرفی برخی از چهره‌های معصومین شیعه را باید از نخستین گام‌های رسمیت بخشیدن به مطالعات شیعه‌شناسی و تأسیس کرسی تشیع در دانشگاه‌های فرانسه دانست. این جریان دوم، در بدو حضور پررنگش، غالباً به بررسی متون کهن و نیز تشیع درون‌گرا (مذاهب باطنی‌گرا و خصوصاً اسماعیلیه) تمرکز یافته بود، که بر مبنا و تئوری‌ها و تحلیل‌های افرادی همچون لویی ماسیون، ژرژ و جده (۱۹۰۸-۱۹۸۱)، و بعدها هنری کربن استوار بوده است.

پس از شخصیت‌های مذکور، هنری کربن (۱۹۷۸-۱۹۰۳) را باید چهره برجسته شیعه‌شناسی در فرانسه دانست که این رشته مطالعاتی و علمی را به یک دپارتمان و کرسی مستقل دانشگاهی در فرانسه ارتقا داد. اگر چه کربن بیشتر شیفته جریان‌های فلسفی و تاحدی عرفانی تشیع بوده، اما توانسته است کلیاتی از علم کلام شیعه را نیز به غربیان معرفی نماید و با ادبیات ویژه خویش تبیین کند. البته مکتب علمی و متدولوژی شیعه‌شناسی وی را نباید با دیگر محققین فرانسوی یکسان

دانست. وی هم قلمی متفاوت و با نمایه کاملاً فلسفی دارد و هم در بیان نکات و اندیشه‌های علمی، متأثر از متن گام برمی‌دارد. وی رسماً کرسی شیعه امامیه را در دانشگاه سوربون تأسیس نمود و خود عهده‌دار این امر مهم گردید. دو حرکت مهم وی را در اداره این کرسی باید در نظر داشت:

- متن‌شناسی آثار روایی و کلامی شیعه

- جریان‌شناسی فلسفی

وی در هر دو زمینه مذکور قریب پنجاه سال تلاش نمود و آثاری را از خود به جای نهاد که انصافاً دارای عمق و ظرافتند. در عرصه متن‌شناسی وی به بررسی دقیق و علمی مجموعه‌های حدیثی کهن شیعی همچون اصول کافی پرداخته است. در حوزه جریان‌شناسی نیز وی توانست جریان‌های فلسفی اسلامی - شیعی را تا حدی به جامعه غربیان بشناساند. البته و صدالبته تلاش بزرگانی همچون مرحوم علامه فخیم و اندیشمند بزرگ طباطبایی و نیز متفکر برجسته سیدجلال آشتیانی و نیز بزرگانی از اهل خرد و اندیشه مانند: سید حسین نصر، داریوش شایگان و استاد احمد مهدوی دامغانی، هر کدام به میزان خویش، نیز کربن را در مسیرش یاری داده‌اند.

با درگذشت هنری کربن، دو جریان پژوهشی به جای کربن، به مطالعات شیعه‌شناسی تداوم

بخشید:

جریان نخست، جریانی است که تشیع باطن‌گرا را از آموزه‌های هنری کربن پذیرفت، و در تداوم مشی مطالعاتی و شیوه پژوهشی او که بر مدار فنومولوژیسم یا پدیدارشناسانه استوار بود، سعی در بررسی و تتبع در اسلام و حوزه تشیع دارد. این رویکرد که امروز نیز در بین بزرگانی از محققین دانشگاه سوربون و مدرسه عملی پژوهش‌های عالی رواج دارد، تلاش خاصی در ارائه اسلام و تشیع بر اساس عناصر و محتوای مفاهیم آن دارد. شاید بتوان پروفیسور پیر لوری^۱ را وفادارترین چهره عصر حاضر سوربون به مکتب و اندیشه‌های فکری هانری کربن دانست.

۱. پروفیسور پیرلوری متولد پاریس در سال ۱۹۵۲ میلادی است. وی در سال ۱۹۷۰ تحصیلات متوسطه خود را بروکسل، پایتخت بلژیک به پایان رساند و سپس در سال ۱۹۷۳ موفق به دریافت مدرک فارغ‌التحصیلی از انستیتوی مطالعات سیاسی پاریس، بخش روابط بین‌الملل گردید. وی در سال ۱۹۷۵ مدرک لیسانس خود را در رشته ادبیات و زبان عربی از دانشگاه سوربون (پاریس ۳) اخذ نمود. در سال ۱۹۷۷ نیز مدرک آگراگاسیون خود را در همان رشته به‌دست آورد. وی در سال ۱۹۸۱ مدرک دکترای سیکلوسومش را در رشته مطالعات تمدن عربی از

در این جریان هیستوریسم یا اصالت‌های تاریخی دارای مکانات و وزانت علمی به شمار نمی‌رود. بنابراین رجوع به تاریخ تنها به عنوان مؤیدی بر یک نقل و واقعه است. به بیان دیگر، در این عرصه، وقایع و گزاره‌های تاریخی را در تحلیل مفاهیم و عناصر درونی دین دخالتهی اساسی نیست. آنچه مهم است؛ تحلیل و شناخت حقایق مفاهیم بما هو هو می‌باشد و نه بدان حیث و جهت که در یک واقعه تاریخی قرار گرفته است. در این روش علمی و مطالعاتی، توجه به تطبیق این مفاهیم با آموزه‌ها و معادل‌های آن در ادیان مسیحیت و یهودیت نیز به نظر می‌رسد. می‌توان گفت در این سبک و مشی پژوهشی، ضمن نفی اهمیت گزاره‌های تاریخی، بیشتر دنبال آشکار نمودن معارف و حقائق عرفانی، کلامی و به مفهوم عام، جنبه‌های نظری شریعت می‌باشند.

دانشگاه سوربون دریافت نمود و به دنبال آن در سال ۱۹۹۰ دکترای دولتی خود را در همان رشته کسب نمود. لوری در حال حاضر استاد راهنما، پژوهش و تحقیق سطوح بالا در دپارتمان مطالعات عرب دوره قرون وسطی و معاصر، و عضو مؤسسه فرانسوی خاور نزدیک و استاد راهنما مدرسه پژوهش‌های عالی سوربون می‌باشد. عضویت در کمیته بررسی تاریخ ادیان و مذاهب و مجله پژوهشی تاریخ تصوف و عرفان نیز در کارنامه او ثبت است و ...

وی نخستین پژوهش علمی مهم خود با موضوع عرفان اسلامی را در سال ۱۹۷۷ میلادی تحت اشراف پروفیسور روژر آرنازدز در دانشگاه سوربون با موفقیت به پایان رساند. وی در سال ۱۹۷۸ پس از دریافت بورس پژوهشی از آکادمی ایرانی فلسفه در تهران با کمک پروفیسور هنری کوربن موفق به دریافت دکتری دیگری در رشته تمدن عرب در سال ۱۹۸۱ گردید.

او مدتی در مؤسسه پژوهش و تحقیقات عرب در دمشق به ادامه تحقیقات خویش پرداخت. وی در سال ۱۹۹۰ پایان‌نامه دکتری با عنوان درون‌گرایی (عرفان و تصوف) اسلامی را با رتبه‌ای بالا به پایان رساند آنگاه از سال ۱۹۸۱ به‌عنوان استاد کنفرانس دانشگاه بوردو فرانسه به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۹۱ رتبه استادی دانشگاه سوربون و مدرسه پژوهش‌های عالی در بخش علوم ادیان به او تعلق یافت و تاکنون به عنوان استاد راهنما بسیاری از پایان‌نامه‌های مقطع دکتری در زمینه‌های اسلام‌شناسی و مذاهب آن در مدرسه پژوهش‌های عالی سوربون در کنار دیگر مجامع و دانشگاه‌های جهان اشتغال دارد. او در حال حاضر عضو کمیته تحریریه نشریه آسیایی و مطالعات اسلامی و نیز بولتن سالیانه اسلام‌شناسی بوده و در کنار آن دبیری انجمن دوستان هانری و استلا کوربن را عهده‌دار است.

وی علاوه بر مقالات علمی بی‌شماری که در مجلات علمی و پژوهشی مشهور ارایه نموده در دایره‌المعارف اسلام نیز مقالات حایز توجهی نگاشته است. وی همچنین در سال ۱۳۸۳ موفق به دریافت جایزه کتاب سال در ایران گردید.

جریان دوم را باید جریانی برشمرد که بیشتر بر محور اصالت تاریخ یا هیستوریسم گام برمی‌دارد و سخن از تحلیل وقایع و گزاره‌های تاریخی می‌زند. این جریان بر فنومن و یا پدیده‌ها رویکردی متفاوت نسبت به جریان نخستین دارد. اینجا وقایع تاریخ و تحلیل آن وقایع است که مفاهیم را می‌سازد و عناصر درونی یک دین را می‌پرورد. یک حادثه سیاسی، یک رویداد تاریخی و یک اتفاق درگذر زمان، شریعتی را نمایان می‌کند و مفاهیمی را ابداع می‌نماید و صورتی را می‌آفریند. در واقع، مفاهیم دینی و شریعت ساخته گزاره‌های تاریخی است. در میان شاگردان و متأثرین از هنری کرین، عده‌ای از محققین دانشگاه‌های فرانسه به این سبک مطالعاتی و مشی پژوهشی معتقدند و در آن مسیر گام برمی‌دارند. مثلاً این جریان در تحلیل معارف شیعی، نظر و نتایج متفاوتی را نسبت به جریان نخست به دست آورده است. از دست دادن قدرت و خلافت، ضعف در برابر جریان حاکم، خلفا پس از پیامبر، از دست دادن منابع مالی و دستگیری طرفداران علی علیه السلام، جریان سیاسی شیعی را به صورت مذهب رسمی مقابل حکومت وقت نمایان ساخت!

این چنین است که این جریان حتی بررسی موضوع تحریف یا عدم تحریف قرآن، مهدویت، امامت، موضوعات نظری و کلامی در تشیع را تمام در آینه وقایع تاریخی مورد تتبع قرار می‌دهد و معرفی می‌نماید.

افرادی همچون امیرمعتزلی که سال‌ها در مکتب کرین حضور داشتند، به عنوان یکی از چهره‌های شاخص این جریان، معتقدند که تشیع، برخاسته از جهت‌گیری‌های سیاسی، تنها به جانب درون توجه دارد و اصولاً جنبه‌های ظاهری دین در نظر شیعه نیست. به عقیده او، آنچه امروز شیعه نام گرفته با شیعه سده‌های نخست تفاوت کامل و حتی بنیادین دارد. از نظر او دیدگاه پدیدارشناسانه هنری کرین نمی‌تواند راه‌گشای مطالعات شیعه‌شناسی باشد و یا حداقل با مبنای فکری او کاملاً در تضاد است.

مجموع این روش‌ها و رویکردها، باب مطالعاتی خاصی را در دانشگاه‌های فرانسه گشوده است که موجب پدید آمدن تحقیقات گسترده در عرصه مذاهب باطن‌گرا، تصوف و عرفان شده است. مطالعه در حوزه شیخیه، اسماعیلیه، مهدویت، متون کهن مربوط به امامت و ولایت امامان شیعه علیهم السلام و مطالعه در حوزه تأویلات قرآنی و تفاسیر شیعی کهن، در همین راستا بخش گسترده‌ای از تحقیقات دانشگاه سوربون و مراکز مطالعاتی مربوط به آن را به خود اختصاص داده‌اند.

در کنار این دو جریان مطالعاتی در حوزه تشیع امامیه، سبک‌ها و شیوه‌های مطالعاتی دیگری نیز به نظر می‌رسند که ضمن ارتباطشان با دو مکتب قبلی دارای تفاوت‌های ویژه‌ای با آنها هستند. مثلاً در سال‌های اخیر، شخصیت‌هایی همچون صبرینا مرون به مطالعات میدانی-کتابخانه‌ای در تشیع امروز روی آورده که آثار تحقیقی و مطالعاتی نسبتاً عمیقی را در رابطه با جریان‌های شیعی دوران معاصر رقم زده است. این نوع مطالعات بیشتر صورت میدانی به خود گرفته و تلاش در تطبیق پدیده‌ها و مفاهیم با گزاره‌های تاریخی دارد. البته این مکتب به سادگی آن دو سبک بیان شده، قابل تعریف نیست و بیشتر باید در خلال بررسی نتایج آن به معرفی آن پرداخت. در ذیل، به شیوه‌های کلی مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه شناخت تشیع امامیه و یا به اصطلاح شیعه‌شناسی در دانشگاه‌های فرانسه با محوریت سوربون و مراکز تابعه آن می‌پردازیم.

شیوه نخست: مطالعات مبتنی بر پدیدارشناسی توصیفی (فنونولوژی) (phénoménologie)
اسلام‌شناسی بر پایه پدیدارشناسی، از طریق بررسی متون، منابع دینی و مذهبی کهن و اولیه اسلام، شیوه متداول در برخی از مراکز آکادمیک غرب به شمار رفته، یکی از راه‌کارهای مورد توجه محققان و پژوهشگران در حوزه علوم انسانی، خصوصاً در دو علم فلسفه و دین‌شناسی می‌باشد. این شیوه از مطالعات، بیشتر به مفاد و محتوای اصیل، پایه‌ای و اولیه دین و مذاهب آن دین، از زوایای مختلف و رویکردهای متشکست توجه دارد. محققین دین‌شناس که بر این مبنا به پژوهش می‌پردازند، برای دستیابی به حقیقت، پدیده‌ای دینی و مذهبی، موضوع آن را از زوایای مختلف می‌نگرند و با بیان‌های متفاوت توصیف می‌نمایند. گاه در ضمن مطالعه متون قدیمی، درصد بررسی و مطالعات تطبیقی آن موضوع مذهبی و دینی با امثال آن از جهت ماهیت و نوعیت؛ در دیگر پدیده‌های همان دین و مذهب و یا دیگر ادیان و مذاهب برمی‌آیند. مثلاً آنچه که کربن در حوزه مفهوم‌شناسی پدیده «ولایت» در مکتب امامیه و تفاسیر مسیحیت از جایگاه قدسین و حضرت عیسی به عمل آورده را باید از این دسته از مطالعات برشمرد. در منظر کربن به عنوان یک محقق شیعه‌شناس، مطالعه و تتبع یک پدیده مذهبی و دینی لازم است معطوف به موضوع، آن‌گونه که با آنها مواجه می‌شود باشد. بدیهی است که «ولایت» در تعبیر او و بنا به مبنای اتخاذی کربن، می‌تواند تفسیری متفاوت از آنچه برای دیگر شیعه‌شناسانی همچون رابرت گلیو و یا صبرینا مرون دارند، داشته باشد.

در این شیوه، که مبنایی غالب برای بیشتر محققان معاصر دانشگاه سوربون و مراکز تحت اشراف آن در عرصه دین‌شناسی و مذهب‌شناسی می‌باشد، محقق با بررسی متون قدیمی و کهن یک مذهب؛ این امکان را می‌یابد که از مقایسه میان آموزه‌های قدیم و اصیل آن، با آنچه امروز در آن مذهب و آیین مشاهده می‌گردد؛ از فرایند رشد، گسترش و نیز تشعب و اختلاف‌های به وجود آمده در آن مطلع گردد و تفسیر و شرحی از آن ارائه نماید. به بیان دیگر یکی از بهترین ابزارهای شناخت علل، عوامل و شرایط به وجود آمدن مکاتب، نحله‌ها و مذاهب در دل یک مذهب اصلی، بررسی متون مذهبی اولیه آن در کنار مطالعه جریان‌ات تاریخی و جامعه‌شناسانه آن دوران‌ها به شمار می‌رود. البته به یقین بر مبنای پدیدارشناسی نمی‌توان تفسیر و تعبیر دقیقی از مفاهیم، آنچه‌ان که باید و شایسته حقیقت آن است ارائه نمود، مگر آنکه خود محقق به نوعی تحت تأثیر عمیق و دقیق موضوع و مفاد آن قرار گرفته باشند. لذا برای محققینی که کاملاً ذهنیت لائیک و یا غیر دینی دارند، استفاده از شیوه‌های پدیدارشناسانه در کشف و فهم متون مذهبی راه آسانی نیست. اینکه شخصیت‌هایی همچون شارل فوکو، لویی ماسینیون، هنری کرین، پیرلوری و هنری دولهوک، از چهره‌های معاصر شیعه‌شناس بیشتر بر مبنای این روش پدیدارشناسانه به مطالعات خویش در حوزه مذهب تعمق می‌بخشند و تداوم می‌دهند نیز همه و همه از این روست که تمامی آنان در نقطه «ایمان به خداوند و جلوه‌های رحمانی» معتقد و پایبند می‌بوده و هستند.

در این شیوه، سعی محقق بر آن است تا به عنوان مقدمه تتبع خویش، با استفاده از مطالعه منابع و آثار تدوین شده در صدر اسلام و سده‌های نخستین هجری، با فضای تاریخی و شرایط موجود در آن دوره آشنا گردد و از آن میان به مناطات، عوامل رشد و توسعه متون دینی و جریان‌شناسی تشعب و تفرق مذاهب، در کنار شناخت اسباب و علل بسیاری از محتویات و مفاد فرامین، آموزه‌های دینی (حوزه علوم مربوط به کلام) و احکام مذهبی دست یابد. آنگاه وی متوجه موضوعات مطرح و مورد نظر خویش، همان پدیده‌های مذهبی و دینی، می‌گردد و از تمامی جوانبی که در ذهن دارد به تفسیر و تبیین آنها می‌پردازد. شناختی که از این راه برای وی حاصل می‌گردد در حقیقت عناصر منتج از پژوهش وی در شیعه‌شناسی تلقی می‌گردد.

در شیوه‌های مطالعاتی مبتنی بر پدیدارشناسی، یکی از مهمترین ابزارهای تتبع و پژوهش را باید استفاده از علم فیلولوژی دانست که به بررسی دقیق تحولات معنوی و مفهومی یک لغت یا

اصطلاح می‌پردازد. دانش فیلولوژی را در علم دین‌شناسی باید تتبع و پژوهش در مجموعه مصطلحات به کار گرفته شده در یک متن دینی و مذهبی دانست که با توجه به ترکیب جنبه‌های ادبی، تاریخی، و تحولات مفهومی آن مصطلحات صورت می‌پذیرد. مثلاً برای پژوهش به منظور شناخت یک مفهوم (پدیده) و یک موضوع دینی و مذهبی مانند «ولایت»، محقق نخست به متون کهن دینی که این مصطلح در آنها به کار رفته است رجوع می‌نماید. در این راستا آثاری که به بیان شأن نزول یا اسباب النزول مرتبط با آن اصطلاح پرداخته‌اند در درجه نخست التفات قرار می‌گیرند. سپس آن اصطلاح در دیگر متون تاریخی و غیرتاریخی نگارش یافته همزمان با متن اصلی مورد مطالعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مورد مثال، پژوهش‌گری همچون کربن در ابتدا به سراغ آیاتی از قرآن می‌رود که در آن واژه ولایت و ترکیبات آن ذکر شده‌اند. سپس به متون کهن و قدیمی بیانگر اسباب النزول همچون کتاب *اسباب النزول* ابوالحسن علی بن أحمد بن محمد بن علی واحدی نیشابوری (متوفی ۴۶۸)، کتاب *لباب النقول فی اسباب النزول* تألیف جلال الدین سیوطی و امثال آن می‌پردازد و آنچه که سبب به کارگیری آن مصطلح شده را می‌جوید. وی سپس متون غیر دینی و غیرمذهبی همچون دیوان شعرا، آثار تاریخی و گزارش‌های مختلف منقول؛ که این مصطلح در آنها به کار رفته رجوع می‌نماید تا تحولات و تطورات مفهومی آن اصطلاح را ملتفت شود. وی از بستر این سیر دشوار تاریخی از مفهوم‌گیری و مفهوم‌سازی و حقیقت آن را به دست می‌آورد، که منبع مهمی در مذهب‌شناسی و دین‌شناسی به شمار می‌روند. این همان فرآیند به کارگیری علم فیلولوژی است که اگر چه اقران و امثالی در وادی علوم اسلامی دارد، چنانکه در علم اصول فقه در بحث حقیقت شرعی و متشرعه اشاره‌ای اجمالی به تحولات لغوی یک مصطلح شرعی می‌پردازیم، اما به واقع ساخته و پرداخته مغرب زمین است.

این روش در میان اساتید برجسته دانشگاه سوربون و مدرسه عملی پژوهش‌های عالی متداول است. پس از کربن، پیر لوری نیز از این مبنا در سیر پژوهش‌های خویش بهره فراوانی برده است. آثار مهم مطالعاتی وی همچون: «*خواب در اسلام*»، «*تاویلات القرآن*»، «*فرشته در اسلام*» و «*علم حروف*»، نمونه‌ای از این روش مطالعاتی در فرانسه به شمار می‌روند.

از دگر سو، باید دانست که گرچه رویکرد درونی این دسته از محققین غالباً برخاسته از عقیده و نوعی ایمان درونی می‌باشد، ولی این بدان معنی نیست که نوع پژوهش‌ها و مطالعات ایشان

نیز؛ بر مدار پذیرش درونی و ایمانی تمامی آنچه که درصدد بررسی آن بوده‌اند باشد. اگر چه من به نوبه خویش قلم و لسان علمی این دسته را بیشتر و بیشتر مراعی حسن نظر و جامع لطافت تعبیر و کلام دیده‌ام، ولی توقع ایمان به نتیجه در مسیر آن پژوهش‌ها و تحقیقات نیز امر میسور و یا حداقل مطلوبی نخواهد بود.

بنا بر این نکته، از نظر غالب محققین مذهبی شیعه، تألیف کتاب ارزشمند «کمال‌الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق (زاده ۳۰۶- قم و درگذشته ۳۸۱- شهرری)، نتیجه الطاف خاصه امام عصر (نورالله عیوننا بلقائه) است. لذا در آثار کتاب‌شناسان، روات و رجال‌شناسان مذهبی، کمتر به عوامل اجتماعی و سیاسی دوران صدوق و تأثیر آنها در نگارش آن گونه آثار توجه شده است. در حالی که برای اسلام‌شناسی که بر مبنای پدیدارشناسی به مطالعه در این آثار پرداخته، (غالباً) نگاهی خارج از حوزه مقدسات شیعی و تعبیرات مذهبی آن دارد، نگارش چنان اثری به عنوان یک پدیده دینی و مذهبی ناشی از شرایط خاصی است که برای مؤلف آن محقق گردیده است، فضای فرهنگی و اجتماعی و نیز رویکرد مذهبی حکام آل‌بویه و تحولات فکری جریان شیعی و عواملی از این دست را باید بستر پیدایش دانست.

در جریان مبتنی بر تاریخ و یا جریان دوم مورد بحثمان که امروز چهره‌هایی مانند پروفیسور امیر معزی در رأس آن قرار گرفته‌اند، بیشتر تأکید بر وقوع وقایع و حوادث تاریخی بسترساز این آثار است. بنابراین، تألیف این چنین کتابی، اگرچه کلامی و عقیدتی به شمار می‌رود، جز به لحاظ شرایط سیاسی و حدود وقایع خاص تاریخی زمان مؤلف و تأثیرپذیری وی از حکام وقت نبوده است. مسیر حکومتی خاندان بویه و ملاحظات ویژه آنان در تشدید و تحکیم پایه نظامی شیعی، مقتضی تدوین و سامان‌دهی نظام عقیدتی و مکتبی تشیع است. این نیز جز با گردهم آوردن اندیشمندان این مذهب و تشویق آنان به انجام این امر خطیر و مهم میسر نیست.^۱

این نقطه افتراق ایمانی میان دو دسته از اسلام‌شناسان، می‌تواند موجب آن گردد که محقق داخل، ضمن آشنایی با مبانی نظری این دسته از اسلام‌شناسان، در شناخت عوامل و اسباب رشد و گسترش مفاهیم دینی، از تشعب جریان‌های فکری و نظری سده‌های نخست هجری، تحولات و

۱. برای آشنایی با این آراء و نظرات به آثار پروفیسور محمدعلی امیرمعزی رجوع شود.

تطورات در جریان شکل‌گیری و سازمان‌یابی تشیع امامیه و فرق مربوطه و نیز مصطلحات کلامی مبنایی و فروع آن در این مکتب آگاهی، احیاناً، متفاوتی به دست آورد. شاید هم گاهی اطلاع از این دسته شناخت‌های دقیق تحلیل بتواند در تغییر روند افتنا و صدور احکام و فتاوی مؤثر افتد و این شناخت جدید، فقیه مطلع را در مقام استنباط و اجتهاد؛ در بستری متمایز از گذشته قرار دهد. از آن سو نیز برای یک مستشرق، مطالعه آثار محققین مذهبی در شناخت جریان‌ات متفاوت دینی و جامعه‌شناختی و گونه‌های تولید و رشد مبانی دینی در کنار مکاتب فکری اهمیتی به سزا دارد، هرچند غالباً اسلام‌شناسان غربی؛ منشا و حیانی در این آثار (همچون روایات و دیگر متون مقدس) را مردداً می‌پذیرند و تأسیس وحی را نیز بعضاً نتیجه فرآیند اندیشه نخبگان برمی‌شمرند و یا تشعشعاتی در ذهن عارفان و درون ساختگان یک جامعه، تا تداوم حضور خداوند بر انسان، آنگونه که بر عیسای نبی جلوه نمود. اگرچه اخیراً هستند اسلام‌شناسانی در فرانسه که تداوم وحی عیسوی را بر رسول‌گرامی اسلام به عنوان «جلوه الهی بر بنده‌ای معتقد» پذیرا گردیده‌اند.^۱ البته هدف و نتیجه این مطالعات در میان اسلام‌شناسان و محققین مسلمان همواره یکسان نیست.

شیوه دوم: مطالعات شیعه‌شناسی مبتنی بر وقایع تاریخی

چنانکه قبلاً اشاره گردید، در این روش محقق به دنبال وقایع تاریخی است تا بتواند از تحلیل آن وقایع موضوعات و مفاهیم دینی را تفسیر نماید. این روش بیشتر بر مبنای هیستوریسم (مکتب اصالت تاریخ) است تا پدیدارشناسی. البته نباید این اصالت دادن به تاریخ در این مکتب را با آنچه که امثال مارتین هایدگر در نظر دارند و ارائه نموده‌اند متفاوت به نظر می‌رسد. در اینجا شیعه‌شناس و اسلام‌شناس به دنبال اصالت دادن حقیقی به وقایع تاریخی و جان و روح بخشیدن به حوادث و گزاره‌های منقول توسط مورخان نیست. بلکه پژوهشگر سعی دارد تا با بازبینی و بررسی موشکافانه حوادث و وقایع، به نتایجی دست یابد که فهم مسائل دین و مذهب را ساده نماید و دلیل تحولات و تطورات درونی آنها را کشف نماید. در واقع این دسته از محققین عقیده‌ای به حقایق مفاهیم و موضوعات ندارند و بیشتر به دنبال دلایل مادی می‌گردند تا حقایق ماورایی و

۱. رجوع شود به مقاله «متدولوژی اسلام‌شناسی هنری دولهوک» نشریه علمی تحقیقاتی ایران و اسلام، شماره ششم سال ۱۳۹۴.

معنوی. لذا از نظر این دسته از پژوهشگران، تشیع به دنبال یک فرآیند کاملاً مادی و تحت تأثیر عوامل بیرونی همچون حوادث صرفاً سیاسی و اجتماعی تشکل یافته است.

از میان پژوهشگران فرانسه و دانشگاه سوربون که امروز شیوه مطالعات و پژوهش‌های خود را بر این طریق استوار نموده‌اند می‌توان از پروفسور محمدعلی امیر معزی نام برد؛ که به دنبال مکتب علمی استادش هنری کربن، به بررسی متون قدیم شیعی می‌پردازد. البته این به آن معنی نیست که وی به مکتب هنری کربن پایبند مانده باشد. بلکه بالعکس او از محدود شاگردانی است که بر خلاف جهت فکری و نظری استاد خود قدم در عرصه پژوهش نهاده است و علیرغم اتحاد اسباب تحقیق و پژوهش، اختلاف مبانی و هدف آن دو کاملاً از آثارشان مشهود است. در آینده به این نقاط تمایز اشاره خواهیم داشت.

از امتیازات این روش می‌توان به ملاحظات تاریخی در نظر گرفته شده در آن اشاره نمود. بی‌شک بسیاری از قواعد و مفاهیم مذهبی تحت تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی زمان نظریه‌پردازان آن مذهب شکل یافته‌اند. حتی تحولات اجتهاد و استنباط در طول زمان نیز بی‌بهره از این دلایل نبوده است. حوادث دوران آل‌بویه رشد کلام شیعه را موجب گردید و تحولات سیاسی اجتماعی دوران شیخ طوسی اعلی الله مقامه نیز موجب تغییر نظام فقهی و تطور استنباط شد. نیازهای خاص دوران میرزای شیرازی و تدبیرات شخص وی موضوع مهدویت را دوباره جدیت بخشید و خلاصه بسیاری از مفاهیم و موضوعات مذهبی در اثر این وقایع تاریخی و حوادث اجتماعی صورت پذیرفتند. اما به واقع چنین نیست که اصل دین و مذهب نتیجه مستقیم حوادث و وقایع تاریخی باشند.

به بیان دیگر، یکی از اشکالات مهم این روش آن است که در حوزه دین‌شناسی و مذهب‌شناسی، محقق خواه و ناخواه باید دین و پیدایش حقایق دینی را تماماً زاییده حوادث و وقایع تاریخی بداند و این در مشرب معتقدین مقبول و منظور نیست. از طرفی اشکال دیگر و مهمی که به این مبنا، آن هم در حوزه دین و مذهب‌شناسی وارد است آنکه غالباً تاریخ توسط مورخینی نوشته می‌شود که در خدمت حکومت و همراه جریان اکثریت در یک نظام سیاسی بوده‌اند و بیشتر با امکانات آنان موفق به ثبت وقایع گردیده‌اند. منشیان و کتابخانه‌داران و نویسندگان دربار شاهان و خلفا، بیشتر مورخان دوران سده‌های نخست هجری را تشکیل می‌دهند. این موضوع

موجب می‌شود که در خیلی موارد؛ وقایع و حوادث تاریخی به دست عده‌ای خاص نگارش یافته و تفسیر و تأویل گردد، که جانب دربار و حکومت را مراعات نمایند تا جریان‌های اقلیتی و فرق کوچک‌تر را. مثلاً مورخان مشهور مسلمان همچون طبری، ابن کثیر، نیشابوری، مسعودی و بسیاری دیگر، در دل جریان‌های بزرگ مذهبی پرورش یافتند و لذا نمی‌توان از ایشان توقع داشت که وقایع، حوادث و موضوعات مورد اهمیت جریان شیعه، که اقلیت آن دوره به شمار می‌رفتند، را در نظر بگیرند. این به آن معنی نیست که امثال این مورخان مورد طعنه و یا نقد قرار گیرند، بلکه این سیاق و سبک غالب بوده که عکس آن نیز صادق است. چرا که مورخان و محدثان شیعی نیز وقتی به ثبت و ضبط آثار دیگر فرق و مذاهب نداشته‌اند مگر در موارد خاص ...

حال با این مقدمه، ایراد ما بر این مبنای مطالعاتی آشکارتر می‌گردد؛ که چرا تکیه کردن بر تحلیل وقایع تاریخی در حوزه مطالعات مذهبی قطعیت و حتمیت ندارند. زیرا بسیاری از این حوادث و وقایع می‌توانند موضوعی برای تردید و تشکیک در اصالتشان و یا دخالت و تغییر در فرایند نقلشان قرار گیرند.

از طرف دیگر آنچه بر ایرادات این روش می‌افزاید آن است که گاهی محقق به دنبال بررسی یک متن و اثر قدیمی از اسلام و یا مذهب تشیع، زاویه دید مؤلف و پدیدآورنده آن اثر را نمایانگر عقیده عمومی آن آیین برمی‌شمرد و برای ناآشنایان با آن مکتب ذهنیتی متفاوت از آنچه در واقع است ایجاد می‌نماید. به بیان ساده‌تر اسلام‌شناس با جست‌وجو از یک اثر قدیمی و بررسی دقیق آن؛ در ضمن پژوهش خویش؛ وی را، خواسته یا ناخواسته، نماینده یک مذهب و مکتب فکری معرفی می‌نماید که این در مواردی موافق واقع نمی‌باشد. به عنوان نمونه بررسی و پژوهش در نوشتار احمد بن محمد سیاری بصری (متوفی قرن سوم هجری قمری) در ارتباط با قرآن؛ که توسط امیر معزی به عمل آمده عملاً در بین خوانندگان به عنوان نماینده جریان شیعی آن دوران معرفی گردیده که این موضوع مورد موافقت اجماعی مورخان و پژوهشگران شیعی نیست.

نخستین بار کار مطالعات رسمی دانشگاهی را در حوزه متون کهن شیعی در دانشگاه سوربون هنری کربن به عهده‌دار گردید. او در ابتدا به دنبال موضوعات مورد علاقه‌اش در فلسفه، رو به جانب سهروردی و آثار فلسفی او آورد. سپس از سهروردی به جریان‌های باطن‌گرا و عرفانی شیعه رهنمون گردید. سال‌ها از لایه‌لای مطالعات فلسفی خویش، نکات مهمی از علم کلام و عرفان تشیع

را به غربیان معرفی نمود. اما هرگز بر پایه وقایع تاریخی به تحلیل شکل‌گیری مفاهیم شیعی نپرداخت و بلکه بالعکس از تاریخ و هیستوریسم هم‌کناره می‌گرفت.

اگرچه کربن و شیوه مطالعاتی وی از مکتب هیستوریسم در شیعه‌شناسی دور مانده است ولی از جهت نوع‌گزینش متون تاریخی مرتبط با تشیع و مذهب امامیه، محققان بزرگ این رشته، انتخاب موضوعات تحقیقاتی خود را به وی مدیونند. امیر معزی، محقق بزرگ مکتب اصالت‌دهی به تاریخ، خود را وامدار نصایح و راهنمایی‌های هنری کربن در انتخاب موضوعات مطالعاتی خویش، مانند کار در اصول کافی کلینی، می‌داند.^۱ این شاگرد اگرچه بر خلاف مکتب پدیدارشناسانه استادش به پژوهش پرداخته، ولی در‌گزینش متون مورد تبع خود از استاد تبعیت داشته است.

شیوه سوم: مطالعات مبتنی بر پژوهش‌های میدانی تشیع معاصر

شیعه‌شناسی با استفاده از تحقیقات و پژوهش‌های میدانی مورد توجه برخی از اساتید و محققین دوره معاصر در انستیتوها و مراکز پژوهشی در فرانسه و خصوصاً در سوربون و مدارس علمی تابعه آن است. بیشتر محققین این روش را باید دانشجویان دوره‌های دکتری و یا فوق دکتری دانست که در کنار استاد خویش و طی راهنمایی‌های علمی و مطالعاتی به سمت و سوی جوامع مذهبی رهنمون می‌گردند تا از غوامض و مهمات موضوعات مورد نظر خود، با حضور در بین اهالی آن جامعه، پرده‌ای برگیرند و به نتایج برسند. از طرفی این گروه معمولاً دو امتیاز دارند که آنان را در این سفرها و مطالعات دور از موطن یاری می‌دهد: یکی جوانی و انرژی‌های ویژه آن دوره و دیگری فراغت بال بیشتر از اساتیدشان که لازم است سرگرم اداره جلسات درسی و محافل علمی و اداره مراکز پژوهشی در فرانسه باشند. مثلاً پروژه‌هایی مانند بررسی شیوه آموزش در حوزه علمیه نجف، جامعه‌شناسی مذهبی شیعیان پاکستان، مردم‌شناسی بافت شیعه جنوب لبنان، عادات سنتی تعزیه در اقلیت‌های مختلف شیعه هند و امثال این موضوعات را بیشتر محققین و پژوهشگران جوان فرانسوی زیر نظر یک استاد عالی‌رتبه امر عهده دارند.

۱. مصاحبه با پروفسور محمد علی امیر معزی، تابستان سال ۲۰۱۴ میلادی در پاریس توسط همین نویسنده.

در شیوه مطالعات مبتنی بر پژوهش‌های میدانی، پژوهشگر به مطالعه و بررسی میدانی موضوع معینی از اصول، مبانی، عادات و یا رسوم موجود در یک دین یا مذهب، در درون جامعه مذهبی می‌پردازد. به عنوان مثال، محقق برای انجام مطالعات خویش به درون جامعه مذهبی سفر می‌نماید، با مذهب‌یون حشر و نشر می‌یابد، به گفت‌وگویی با آنان می‌پردازد و نتیجه مطالعات خود را به عنوان یک پژوهش در اختیار جامعه علمی قرار می‌دهد.

این شیوه از جهت دقت و توجه خاص به جزئیات موضوع و جریان‌شناسی مذهبی بسیار ارزنده است. اما محدودیت‌های فراوانی موجب می‌شود که نتیجه این پژوهش‌ها حتی نسبت به یک مذهب واحد تعمیم نیابد و تحقیق مذکور جزئی به شمار رود. مثلاً تحقیق در سنت‌های عزاداری در بخش‌های شیعی لبنان، علی‌رغم دقت و کمالش نمی‌تواند به عنوان شناخت یک عادت و رسم شیعی قلمداد گردد؛ زیرا جوامع شیعی ایران، لبنان، عراق و بحرین، در موارد فراوانی عادات مبنایی کاملاً متفاوت از یک‌دیگر دارند.

ساختار حوزه علمیه لبنان و تفاوت‌های آن با حوزه علمیه قم، حتی تفاوت‌های دو حوزه علمیه قم و مشهد در دوره حاضر، همه و همه مواردی به ظاهر جزئی به شمار می‌روند که در تحقیق میدانی به لطائف و دقائق آنها دقیقاً توجه علمی و مطالعاتی بوده، مورد التفات محققین قرار می‌گیرند. این موارد، نمونه‌ای از پژوهش‌های به عمل آمده و یا در دست تحقیق در دانشگاه سوربون، مدرسه عملی پژوهش‌های عالی آن و برخی دیگر از این مؤسسات پژوهش‌های عالی پاریس است. به عنوان نمونه، پژوهش میدانی و نسبتاً دقیق صبرینا مرون در حوزه علمیه جبل عامل و علمای آن در دوران معاصر، از این قبیل تحقیقات به شمار می‌رود.^۱

نکته تمایز تحقیقات شیعه‌شناسانه مبتنی بر مطالعات میدانی و حضوری پژوهشگر نسبت به دیگر روش‌ها در چند نکته اساسی قابل احصا است:

نخست: در این روش مطالعاتی، تحقیقات غالباً جنبه معرفی شکلی وقایع و موضوعات مذهبی را دارند و نه تحلیل و توصیف مفهومی و فلسفی آنها را. لذا برای محقق اینجا آمار و شکل بیرونی

1. Un réformisme chiite: ulémas et lettrés du Ghabal 'Amil (actuel Liban-Sud) de la fin de l'Empire ottoman à l'indépendance du Liban, Paris – Beyrouth – Damas, Karthala – CERMOC – IFEAD, 2000, et récompensée par le prix France/Liban.

وقایع و موضوعات مذهبی در درجه اول اهمیت است و نه آراء و گزارش‌های مورخان و اندیشمندان آن مذهب. در این روش حتی اگر به آراء بزرگان شیعه در یک جریان اهمیتی داده می‌شود از آن جهت است که در یک موضوع معین آراء عالمان به چند دسته تقسیم می‌گردد و هر دسته از چه میزان وزانت و اعتباری در درون جامعه شیعه و یا در بین دیگر عالمان برخوردار است.

دوم: این دسته از مطالعات بیشتر کاربردش مربوط به دوران معاصر است و جوامع کنونی شیعه، و نه جوامع دهه و یا سده‌های قبل. محقق بار سفر می‌بندد و سختی و آسانی‌های هجرت علمی را به جان می‌خرد و در میان مردم قومی که بنا دارد آیین و مذهبشان را بشناسد به سر می‌برد. باید با ایشان حشر و نشری عاطفی و دوستانه داشته باشد تا در محافل آنها بهتر و به صورت ساده حضور یابد و در تحقیقاتش موفق گردد. خانم آن سوفی و یویه موريسان^۱ استاد دانشگاه کاتولیک و محقق اسلام‌شناس فرانسوی، پژوهشگر موفق و جوانی است که در سنین جوانی خود، روستایی کوچک و دور از هر شهر و دیار بزرگ، در دل کویر بزرگ ایران را برای پژوهش خویش برمی‌گزیند و رحل اقامتش را در میان روستاییان آن ده می‌نهد. دو سال از عمر خویش را، که شاید کمتر دختر ایرانی تاب و تحمل آن شرایط را داشته باشد، در میان اهالی آنجا به سر می‌برد. با آنان گذران عمر می‌کند و می‌نشیند و بر می‌خیزد و سفر زیارتی می‌رود و خلاصه می‌شود یک روستایی اهل افزاد در استان کرمان. حاصل تلاش‌های ارزشمند او که نوعی بررسی مردم‌شناسانه وی در جامعه روستایی شیعه به شمار می‌رود، تحت عنوان «افزاد، انسان‌شناسی یک روستا در ایران» بعدها به نشر می‌رسد و موجبی است برای افتخار او و نکته‌ای است برای تمامی روش‌جویان عرصه تحقیق.

این نوع مطالعات میدانی به‌رغم دقت و محتوای مهم وارزنده‌اش؛ به تنهایی پاسخ‌گوی نیاز محقق نیست؛ چرا که این قبیل پژوهش‌ها تنها در دوره معاصر امکان‌پذیر بوده و مختص به عصر پژوهشگر است. ضمناً ورود به این حوزه مطالعاتی؛ نیازمند پیش‌زمینه‌ای جدی و کامل به مطالعات توصیفی و متنی؛ در موضوع مورد تحقیق است. بدون آگاهی محقق از فرآیند رشد و گسترش مذهب و شعوب آن، ورود به پژوهش‌های میدانی نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت.

1. Afzâd. *Ethnologie d'un village d'Iran, Vivier-muresan*, Anne-sophie.

صبرینا مرون را که در فراز قبل به اثر میدانی‌اش در لبنان اشاره نمودیم، می‌توان از شیعه‌شناسانی فرانسوی به شمار آورد که به پژوهش‌های میدانی در عرصه تشیع می‌پردازد. او گاه برای انجام یک تحقیق مدت‌ها در میان شیعیان یک منطقه با آنان به سر می‌برد و به ثبت و ضبط سلوک مذهبی و نظری آنها اهتمام می‌ورزد. هرچند مطالعه آثار و مقالات امروز او نشان از گرایش‌های اخیر وی به مطالعات توصیفی نیز دارد.

در روزهای اخیر او به مطالعات میدانی در حوزه عادات و رسوم عالمان دینی و روحانیون پرداخته است. لباس‌های دینی علما و طلاب، انواع آن، نوع خیاطی، رنگ البسه، جنس آنها، تنوع محیطی و جغرافیایی، زمان‌های مؤثر و خاص برای پوشش‌های خاص و امثال آن، امور و موضوعاتی است که او را به مطالعات بعضاً دشوار در عراق واداشته است. وی برای انجام این مطالعات؛ در ایام دشوار اربعین، که برای یک زن فرنگی می‌تواند نگرانی فراهم نماید، پا به نجف و کوفه می‌گذارد و روزها و ماه‌ها به گرفتن عکس و مصاحبه می‌پردازد تا بتواند بخشی از اثرش را به صورت مطالعات میدانی ارائه نماید.

در میان دانشمندان مسلمان متقدم نیز این نوع مطالعات جریان داشته است. افرادی همچون ابی‌الفتح محمد بن عبدالکریم بن ابی‌بکر احمد الشافعی الشهرستانی (۴۷۹ - ۵۴۸)، صاحب کتاب ارزشمند «الملل والنحل»، بخش قابل توجهی از اثر خود را در مطالعات میدانی خویش ثبت و ضبط نموده است. یاکتاب ارزشمند «تحفه الانظار فی غرائب الاسفار» اثر ابن بطوطه (متولد ۷۰۳ق / ۱۳۰۴ م) نمونه دیگری از این مطالعات است، که طی سفری بیست و هفت ساله و تقریباً در دور دنیا، مشاهدات خویش را به رقم تحریر درآورده است. امروزه شاید بتوان وی را از مهمترین پیش‌کسوتان این حوزه مطالعات و تحقیقات دانست.

کتاب «تحقیق ماللهند» اثر ابوریحان بیرونی (۳۵۲-۴۲۷ شمسی) نیز در زمره مطالعات میدانی آن دانشمندان مسلمان به شمار می‌رود.

آنچه لازم است مورد توجه دقیق قرار بگیرد؛ آن است که عوامل و انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در دوران معاصر، می‌توانند در موارد متعددی اهداف و جهت مطالعات میدانی محققین و پژوهشگران را تحت تأثیر و تحت الشعاع قرار دهند. به بیان دیگر، امروزه حاصل بسیاری از این مطالعات؛ می‌تواند در راستای اهداف غیر علمی به کار گرفته شود. اما این موضوع،

که در تمامی انواع مطالعات محققین شرقی و غربی امکان تحقق دارد، نمی‌تواند از اهمیت این دسته از مطالعات بکاهد.

امروزه شیعه‌شناسی با محوریت تشیع امامیه در سوربون فرانسه کرسی مستقل و رسمی به خود اختصاص داده است. در بسیاری از دیگر دانشگاه‌های فرانسه مانند، دانشگاه استراسبورگ، (L'université de Strasbourg) لیون، (L'université Lumière Lyon 2 et L'Institut catholique de Lyon) مونپولیه، (L'université Montpellier) اینالکو، پواتیه، (L'Université de Poitiers) و لیل و نیز در بسیاری از مدارس عالی مطالعاتی در پاریس و خارج از آن نیز مبحث شیعه‌شناسی توسط اساتید اسلام‌شناس برجسته مورد التفات و توجه قرار دارد.



فهرست منابع

1. Yusuf Ziya doctorat Kavakci, *Méthodologie de la recherche islamique*, Xlibris Corporation (Juin 17, 2008).
2. Mervin, Sabrina, *Le Hezbollah, état des lieux, Etude (broché)*. Paru en 04/2008.
3. Mervin, Sabrina, *Un réformisme chiite: ulémas et lettrés du Ghabal 'Amil (actuel Liban-Sud) de la fin de l'Empire ottoman à l'indépendance du Liban*, Paris – Beyrouth – Damas, Karthala – CERMOC – IFEAD, 2000.
4. Lory, Pierre, *Les commentaires ésotériques du Coran selon 'Abd al-Razzâq al-Qâshânî*, Paris, Les Deux Océans, 1980, réédition revue et augmentée en 1991.
5. Lory, Pierre, *Dix traités d'alchimie de Jâbir ibn Hayyân - Les dix premiers Traités du Livre des Soixante-dix*, Paris, Sindbad, 1983, réédité avec une mise à jour en 1996 aux éditions Actes-Sud.
6. Lory, Pierre, *La science des lettres en islam*, Paris, Dervy, Esprit de Lettre, 2004.
7. Lory, Pierre, *Petite histoire de l'islam*, avec Mohammad Ali Amir-Moezzi, Flammarion, Librio, 2007.
8. Lory, Pierre, *L'élaboration de l'Elixir Suprême - Quatorze traités de Jâbir ibn Hayyân sur le Grand Œuvre alchimique (en arabe Tadbîr al-iksîr al-a'zam ; textes édités et présentés)*, Damas, Publications de l'Institut Français d'Études Arabes, 1988.
9. Lory, Pierre, *Alchimie et mystique en terre d'Islam*, Lagrasse, Verdier, Collection « Islam spirituel », 1989. Réédité aux éditions Gallimard, folio/essais, 2003, 246 pages. (ISBN 2070427196 et 978-2070427192) Traduction en espagnol par Gracia Lopez Anguita, *Alquimia y mística en el Islam*, Madrid, Mandala Ediciones, 2005 ; en persan par Zeinab Pudineh Aqai et Reza Kuhkan, *Kîmyâ-o 'erfân dar sarzamîn-e Eslâm, Enteshârât-e Tahûrî*, 2009.
10. Lory, Pierre, *Le rêve et ses interprétations en Islam*, Paris, Albin Michel, collection Science des religions, 2003, 320 pages. (ISBN 2226142320 et 978-2226142320) Traduction en arabe *Ta'bîr al-ru'yâ fî al-Islâm*, par Dalyâ al-Tûkhî, Le Caire, *al-Hay'a al-Misryya al-'amma li-al-Kitâb*, 2007.
11. Lory, Pierre, *Min ta'rîkh al-hirmisiyya wa-al-sûfiyya fî al-Islâm* (De l'histoire de l'hermétisme et du soufisme en Islam), traduit par Lwiis Saliba, Jbeil, Editions Byblion, 2005 ; 2e édition revue et augmentée, 2008.

12. Mohammed Muqim, *Méthodologie de la recherche dans une perspective islamique*, S. Abdul Majeed (1997).
13. Amir Moezzi, Mohammad Ali, *Dictionnaire du Coran*, Robert Laffont, octobre 2007.
14. Amir Moezzi, Mohammad Ali, *Le Coran silencieux et le Coran parlant*, CNRS 2011.
15. Afzâd. *Ethnologie d'un village d'Iran, Vivier-muresan*, Anne-sophie.
16. LE NÉEL Bernard, *Le Professeur Massignon sur les traces de Foucauld, Site de Saint-Brieuc et Tréguier*.
17. *Proclamation à l'Armée d'Orient: Quartier Général à bord de l'Orient, le 4 Messidore an VI*.
18. *Proclamation au quartier général, Alexandrie, le 14 Messidor an VI*.
19. *Napoléon nous parle*, 1997, ISBN 2-7441-1320-4, p. 110.
20. *Mémorial de Sainte-Hélène par le Comte de Las Cases*, t. 2 p. 301, édition La Pleiade.
21. *Mémorial de Sainte-Hélène par le Comte de Las Cases*, t. 2 p. 333, édition La Pleiade.
22. Arvind Sharma, *Méthodologie en études religieuses*, SUNY Press, 2002.
23. *L'ENCYCLOPEDIE SONORE DES UNIVERSITES*, Fédération Interuniversitaire de l'Enseignement à Distance, Domaine universitaire de la Bouloie - Bâtiment Louis Bachelier - 25030 BESANCON Cedex.
24. *L'Encyclopédie Universalis*.
25. *Les Annuaire de l'Ecole pratique des hautes études*, 2009-2010, Paris, EPHE.
26. Corbin, Henry, *En Islam Iranien, aspects spirituels et philosophiques*, 1971 Gallimard Paris.
27. Sourdel Janine et Dominique, *Dictionnaire historique de l'islam*, Quadrige /Puf 2007Paris.
28. Mervin, Sabrina, *Les mondes chiïtes et L'Iran*, Karthala2007, Paris MERVIN Sabrina, *Histoire de l'islam. Fondements et doctrines*, Paris, Flammarion, Champs Université Histoire, 2000.